

پیشگیری از جرایم خشن در جوامع عشیره‌ای؛ چالش‌ها و راهکارها

وحید بازوند (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

vahidbazvand70@gmail.com

فرید محسنی

استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

mohseni@ujscs.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۵ (بهار ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی و ساختار پیچیده جوامع عشایری ایران، منجر به ایجاد شرایطی شده است که اجرای سیاست‌های پیشگیرانه در رابطه با جرایم خشن را با چالش‌های اساسی مواجه نموده است. برخی ارزش‌های سنتی و فرهنگی مروج خشونت، ساختارهای قدرت محلی متعارض با نظام قانونی حل اختلاف و عدم آشنایی افراد محلی با حقوق و تکالیف قانونی را به عنوان نمونه‌هایی از این چالش‌ها می‌توان برشمرد. ویژگی‌های مورد اشاره موجب می‌شود که تدابیر و سیاست‌های کلان پیشگیری در جوامع محلی، عملکرد و نتایج مطلوبی در پی نداشته باشد. این مقاله با شیوه توصیفی و تحلیلی به دنبال تنویر این موضوع است که چالش‌های مذکور به چه کیفیت سبب ایجاد تعارض میان ارزش‌های سنتی عشایری و قوانین رسمی حقوقی کشور شده و چگونه موجب می‌شود افراد به جای حل و فصل اختلافات از طریق مراجع قانونی و قضایی، به شیوه‌های حل مسأله محلی غالباً خشونت‌آمیز روی آورند. در نهایت سعی می‌گردد ابتدا چالش‌های پیشگیری در بستر جامعه عشایری واکاوی و تبیین و در وهله بعد با تحلیل شقوق پیشگیری غیر کیفری، راه حل‌های عملی و قابل اجرا برای رفع چالش‌های مذکور تجویز و پیشنهاد گردد. کلیدواژه‌ها: جرایم خشن، جرم‌شناسی پیشگیری، مناطق عشایری، فرهنگ طایفه‌ای، شیوه‌های سنتی حل اختلاف.

جوامع عشیره‌ای به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی با ویژگی‌ها، ارزش‌ها، ساختار و فرهنگ مختص به خود، همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی و مردم‌شناسی قرار گرفته‌اند. این جوامع که بر پایه ارتباطات خانوادگی و قبیله‌ای شکل گرفته‌اند، نه تنها دارای تاریخچه‌ای بسیار طولانی و غنی می‌باشند، بلکه تاکنون الگوهای فرهنگی و اجتماعی خاص خود را نیز حفظ کرده‌اند. در این میان بررسی نقش و تأثیر فرهنگ و ساختار جوامع عشیره‌ای بر پدیده جرایم خشن می‌تواند یکی از موضوعات با اهمیت در زمینه علوم جنایی و جرم‌شناسی باشد. جرایم خشن از نظر اجتماعی و حاکمیتی پدیده‌ای بسیار مهم تلقی می‌شوند که به سبب تأثیر مستقیم و گسترده بر امنیت عمومی جامعه، نیازمند درکی دقیق و عمیق از تبیین و تحلیل مفهوم، علل وقوع و شیوه‌های پیشگیری از این جرایم می‌باشد. در قوانین موضوعه کیفری ایران جرایم خشن به صراحت مورد تعریف مقنن قرار نگرفته است، بلکه صرفاً مصادیق جرایم خشن مانند قتل، سرقت مقرون به آزار، ضرب و جرح عمدی، آدم ربایی، سرقت مقرون به آزار و ... بیان گردیده است. با این حال جرایم خشن را در حالتی کلی می‌توان اینگونه تعریف نمود: «هر نوع رفتار عمدی که با توسل به زور، تهدید و یا آزار جسمی یا روانی علیه دیگری همراه است و مطابق با قوانین کیفری جرم تلقی و دارای مجازات می‌باشد».

یکی از مسائلی که چالش‌ها و نگرانی‌های قابل توجهی را برای متولیان دستگاه کیفری و همچنین شهروندان به وجود آورده است، مسئله جرائم خشن در مناطق عشیره‌ای ایران می‌باشد. این جرایم شامل اعمالی همچون قتل، جرح با سلاح سرد و گرم، نزاع‌های دسته جمعی و طایفه‌ای، سرقت‌های مسلحانه، قدرت‌نمایی با سلاح گرم، تخریب از طریق تیراندازی به خودرو و منزل دیگری و سایر اقدامات خشونت‌آمیز است که دارای ابعاد بعضاً پیچیده‌ای می‌باشد و تبعات گسترده‌ای از ناامنی روانی و خطرات اجتماعی را به دنبال دارد. در این زمینه یافته‌های یک پژوهش داخلی نشان می‌دهد مناطق محروم کشور مانند استانهای لرستان، چهارمحال و بختیاری، همدان، کهگیلویه و بویراحمد و کرمانشاه به نسبت جمعیت دارای بیشترین نرخ جرم قتل عمدی می‌باشند. در این تحقیق آمار جرایم خشونت‌آمیز (در اینجا قتل عمدی) در استان‌های مختلف ایران با شاخص‌های نابرابری مقایسه و نتیجه‌گیری مذکور حاصل گردیده است.^۱ نکته مهم این است که استان‌های مذکور همان مناطقی هستند که دارای بیشترین جامعه عشیره‌ای در کشور می‌باشند.

۱- برای بررسی آمار جرایم خشن استان‌هایی که اکثریت مناطق عشایری در آنها واقع می‌باشد، رک: سایت مرکز آمار ایران به آدرس: <https://www.amar.org.ir>.

۲- یوسفوند حسن رضا و همکاران، «تبیین رابطه جرایم خشونت‌آمیز (قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران»، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۹، ۳، (۹۴)، ۱۳۱. Doi: 10.22055/QJSD.2015.11924

جوامع عشیره‌ای در عین حال که با تمایزات فرهنگی و اجتماعی خاص خود به عنوان میراثی فرهنگی و با ارزش شناخته می‌شوند، با چالش‌هایی نیز در مسیر توسعه و ارتقاء اجتماعی مواجه هستند. این چالش‌ها نه تنها بر عملکرد اجتماعی و اقتصادی این جوامع تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند به طور مستقیم بر پدیده جرم در این جوامع نیز تأثیرگذار باشند. تبعات منفی ناشی از چالش‌ها و مشکلات مذکور در بسیاری از موارد در امر مبارزه و پیشگیری از جرم نمود پیدا می‌کند و بدین ترتیب سیاست‌های پیشگیرانه در مناطق عشایری را با موانع جدی مواجه می‌سازد.

از جمله مهمترین چالش‌های پیشگیری از جرایم خشن می‌توان به «ساختار متمایز مناطق عشایری، ارزش‌ها و فرهنگ محلی و فقدان آگاهی مطلوب از حقوق و تکالیف قانونی» اشاره نمود. برخی از ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جوامع عشایری می‌تواند منجر به این امر شود که ارتکاب برخی از جرایم خشن تشویق شده و یا حتی عادی سازی و در بین عموم مورد قبول واقع افتد که این موضوع باعث کاهش اثربخشی اقدامات پیشگیری و مبارزه با جرم در این محیط‌ها می‌شود. ناگفته نماند که ذکر وجهه‌های منفی فرهنگی و چالش‌های پیشگیری از جرایم خشن به معنای آن نیست که هم اکنون جز فرهنگ غالب مناطق عشایری می‌باشد، بلکه این موارد نسبی بوده و در هر منطقه‌ای دارای شدت و ضعف می‌باشد؛ ضمناً بسیاری از این سنن غلط به مرور زمان تغییر و یا به دست فراموشی سپرده می‌شود.

در حال حاضر پژوهشی که به صورت نظام مند و جامع به موضوع این مقاله پرداخته، صورت نگرفته است. برخی تحقیقات صورت گرفته نیز به صورت غیر مستقیم و یا اشاره به یک روش جزئی از پیشگیری سعی در قلم زنی در این زمینه نموده اند، اما از آن جهت که به چالش‌های پیشگیری و یا شیوه‌های جامع تر پیشگیری اشاره نداشته اند، ناقص تلقی و قادر به رفع نیاز و پاسخ به دغدغه مد نظر موضوع مقاله حاضر نخواهند بود. در زیر به برخی از پژوهش‌های مذکور اشاره می‌شود:

۱- آقای دکتر حسین غلامی و آقای حسین مرادقلی در مقاله‌ای با عنوان «خون صلح؛ حل و فصل سنتی قتل» سعی داشته اند که یکی از شیوه‌های واکنش به جرم خشن قتل عمدی را از منظر عدالت ترمیمی مورد نقد و تحلیل قرار دهند.^۳ لکن این تحقیق صرفاً یکی از شیوه‌های پیشگیری -در سطح سوم پیشگیری- را مورد بررسی قرار داده و معایب این روش نقد و بررسی نشده است. ۲- آقای طاها عشایری و همکاران نیز مبادرت به نگارش مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تاریخی سازوکارهای مدیریت نزاع‌های ایلی - طایفه‌ای در جوامع روستایی ایران» نموده اند. پژوهش مذکور به تحلیل سازوکارهای مدیریت نزاع و میزان انطباق و افتراق این سازوکار با دیدگاه دورکیمی، پرداخته است. در

۳- غلامی حسین و حسین مرادقلی، «خون صلح؛ حل و فصل سنتی قتل»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۵، ۱، (۱۳۹۴): ۱۶۰.

ساز و کارهای سنتی، به سنت خون صلح و روش های مشابه اشاره شده است که ایرادات کلی آن در بند قبل توضیح داده شد و در بخش رسمی نیز به واکنش های سیاست کیفری می پردازد^۴ که خارج از بحث ما می باشد. اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که به صورت مستقیم و بی پیرایه و با فاصله گرفتن از تحلیل های صرفاً تئوریک، به دنبال شناسایی و تحلیل چالش های پیشگیری از جرایم خشن در جوامع عشایری می باشد و بر این اعتقاد است که می بایست از مدل های پیشگیری تکراری و غیرموثر گذشته عدول کرده و شیوه های ابداعی و جدید پیشگیری غیرکیفری که متناسب با فرهنگ عمومی و ساختار این جوامع باشد، استخراج و ارائه نمود.

بند نخست: گستره مفهومی؛ از جرایم خشن در جامعه عشیره ای تا پیشگیری از آنها

بررسی و تحلیل مفهوم و مبانی جرایم خشن در جامعه عشایری ایران، ضرورت تحقیقی جامع و چند بُعدی را می طلبد که نقطه تلاقی آن را می بایست در میان علوم جزایی، جرم شناسی و جامعه شناسی جستجو نمود. همانطور که در بالا اشاره شد چگونگی کنترل و مقابله با جرایم خشن، به سبب تبعات منفی روانی و توسیع دامنه ناامنی آن، در میان جامعه یک مسئله چالش زا و جدی به حساب می آید. از این رو تا زمانی که درکی دقیق از مفهوم جرایم خشن و هم چنین ساختار و فرهنگ جوامع عشایری ایران صورت نگیرد، تدوین راهبردهای موثر در پیشگیری از این دسته جرایم مقدور نخواهد بود. در ادامه این بند، به ترتیب مفاهیم و تقسیمات جامعه عشایری، جرایم خشن و مدل های پیشگیری غیر کیفری تبیین و تحلیل خواهد شد.

الف) جامعه عشیره ای

در لسان عرف ممکن است جهت توصیف برخی جرایم خشن که در مناطق عشیره ای رخ می دهند، عبارات و اصطلاحاتی مانند «درگیری طایفه ای»، «تقااص عشیره ای»، «قتل یک دودمان» و ... استعمال شود. در این رابطه برای بسیاری از افراد عادی و حتی متولیان دستگاه عدالت کیفری مانند قضات غیربومی که آشنایی با این عبارات نداشته، ممکن است سوالاتی در رابطه با این مفاهیم مطرح شود. سوالاتی از قبیل آنکه آیا مفاهیمی مانند طایفه، دودمان، عشیره و ... مترادف هستند، یا دارای معانی متمایز از هم می باشند؟ چنانچه این مفاهیم دارای افتراق معنایی بوده، برچه تشکیلات یا گروه هایی اطلاق می شوند؟ فایده تفکیک و دسته بندی هریک از این گروه های اجتماعی در ارتباط با جرایم خشن چه می باشد؟ آیا تعداد جمعیت هر گروه در اطلاق هریک از مفاهیم مذکور بر آن نقش دارد یا خیر؟ و ...

۴- عشایری طاها و همکاران، «بررسی جامعه شناختی تاریخی سازوکارهای مدیریت نزاع های ایلی - طایفه ای در جوامع روستایی ایران»، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۲، ۳، (۱۳۹۷): ۱۹۲.

در ادامه در بستر مفهوم شناسی عبارات و اصطلاحات مذکور و سایر موارد مشابه، سعی می شود به این سوالات پاسخ داده شود.

۱- مفهوم شناسی جامعه عشیره ای

در علم لغت «عشیره» از ریشه عشر به معنی دهه و جمع آن «عشائر» است و در اصطلاح عرب به گروهی اجتماعی هم خویشاوند و پدر تبار گفته می شود^{۵ و ۶} که معیشت آنها بیشتر بر پرورش شتر و مبتنی بر کوچ و جابه جایی است. همچنین به اقارب نزدیک مرد گفته می شود.^۸ راغب اصفهانی می گوید: «عشیره اهل رجل و خانواده او است که به وسیله آنها زیاد می شود و برای او به منزله عدد کامل می شوند که عشره عدد کامل است.^۹ از این تعریف استنباط می شود که دایره شمول عشیره به مانند ایل و یا طایفه زیاد نیست.

این واژه سه بار در قرآن کریم به کار رفته است: «وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ»^{۱۰} «أَزْوَاجِكُمْ وَ عَشِيرَتِكُمْ»^{۱۱} و «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^{۱۲} بنابراین معنای اصلی «عشیره» اقارب و اقوام نزدیک پدری است و در قرآن نیز به همین معنا استعمال شده است.

هم چنین در اصطلاح عرف به افراد کوچ نشین که برای تأمین معاش و دامپروری در طول سال جابجا می شوند، «عشایر» گفته می شود. این جامعه عبارت است از جامعه انسانی نسبتاً خوداتکاء و خودبسنده که ساختار اجتماعی قبیله ای دارد و عموماً زندگی خود را از دامداری اداره می کنند.^{۱۳} ایل و قبیله اغلب دارای اقتصاد مبتنی بر دامداری و در صورت عشایر بودن دارای تحرک و کوچ نشینی هستند؛ حال آنکه اعضای یک گروه قومی، لزوماً تشکیل یک جامعه مبتنی بر زندگی قبیله ای نمی دهند و در عین حال که خود را وابسته به یک هویت قومی می دانند، می توانند از فرهنگ شهروندی، اقتصاد صنعتی و مدرن نیز برخوردار باشند.^{۱۴}

۵- محمد بن حسن ابن درید، جمهره اللغه، (بیروت: نشر دار العلم للملایین، ۱۹۸۸ م)، ۷۲۸.

۶- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، (بیروت: نشر دارصادر، ۱۴۱۴ ق)، ۵۷۴.

۷- فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ترجمه و تحقیق احمد حسینی اشکوری، (تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵)، ۴۰۳.

۸- أبو القاسم الحسین بن محمد (الراغب الأصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن، (بیروت: ناشر: دار القلم، ۱۴۱۲ هـ)، ۵۶۷.

۹- همان.

۱۰- سوره مبارکه مجادله/۲۲

۱۱- سوره مبارکه توبه/۲۴

۱۲- سوره مبارکه شعراء/۲۱۴

13 -Rahimberdi Annamoradnejad and Sedigheh Lotfi. "Demographic changes of nomadic communities in Iran (1956-2008) . Asian Population Studies, 6, 3 (2010): 335. Doi:10.1080/17441730.2010.512764.

۱۴- هانزی فاوورو، شارل. انسان شناسی: خاستگاه و مفاهیم آثار و دانشمندان، ترجمه علیرضا خدای، چاپ اول، (تهران: نشر فصل نو، ۱۳۸۶)، ۱۰۳ و ۱۰۴.

در رابطه با مفهوم شناسی مذکور در پژوهش حاضر ذکر دونکته حائز اهمیت می باشد. اول، ذکر واژه های «عشیره» یا «عشایر» در ادامه مترادف با معنای لغوی آن، یعنی ده نفر یا تعداد محدودی از افراد دارای وابستگی قومی نمی باشد؛ بلکه با تأسی از عرف حاکم بر جامعه ایران این مفاهیم بر گروه های جمعیتی اطلاق می شوند که دارای سبک زندگی عشایری می باشند و چه بسا تعداد آنان بسیار بیشتر از مفهوم لغوی آن باشد. دوم، منظور از مناطق یا جامعه عشایری در این تحقیق منحصر به عشایر کوچ رو یا روستا نشین نمی باشد، بلکه مراد مناطقی است که فرهنگ یا ساختار عشایری بر آن حاکم است؛ حال این مناطق ممکن است شامل عشایر کوچ رو و یکجانشین در روستا و یا حتی برخی شهرها باشد.^{۱۵}

۲- گونه شناسی جامعه عشیره ای

ساختار جوامع عشایری موضوعی است که جهت کشف تاثیر آن بر وقوع یا پیشگیری از جرایم خشن لازم است در حد ضرورت آشنایی با تقسیمات آن داشته باشیم؛ چرا که گاهی ساختارهای مختلف این جامعه خود زمینه ساز رفتارهای خشن و جنایی، یا به مثابه چالش هایی در راستای پیشگیری تلقی می گردد. به صورت کلی ساختار اجتماعی مناطق عشایری بر مبنای گروههای جمعیتی عبارت است از: «ایل، طایفه، تیره، تش، مال، دودمان، عشیره و خانواده»، که به اقتضای ظرفیت این مقاله و به ترتیب از کلان به خرد، درصدد بازتعریف آنها خواهیم بود.

ایل: در دوره ایلخانان عنوان «ایل خان» برای فرمانروایان مغول در ایران به کار می رفته است و ایلات به معنای جماعتی از مردم کوچنده و نیمه کوچنده، با ساختار اجتماعی و سیاسی خاص در زبان فارسی مصطلح یافت.^{۱۶} ایل، اتحادیه‌ای سیاسی متشکل از تیره‌ها و طوایف عشایری است که به اتکای وابستگی‌های خویشاوندی (نسبی، سببی و آرمانی) و یا در برهه زمانی خاص، بنا به مصالح و ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی با هم متحد شده و تشکیل یک ایل را می‌دهند. معمولاً ایلات دارای سرزمین و قلمرو ایلی خاص خود بوده و تحت رهبری و مدیریت شخصی با سمت ایلخان یا ایل بیگ اداره می‌شدند.^{۱۷}

۱۵- از جمله شهرهای دارای فرهنگ عشایری در ایران می توان به بسیاری از شهرهای استان های خوزستان، کرمانشاه، لرستان و کهگیلویه و بویر احمد اشاره نمود.

۱۶- موسوی بجنوردی، سید محمدکاظم. دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، چاپ اول، (تهران: نشر مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰)، ۶۹۸ و ۶۹۹.

۱۷- محیط، هرمز. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح السلطان، (تهران: نشر نگارینه، ۱۳۹۲)، ۲۵۲.

طایفه: طایفه به گروهی از افراد گفته می‌شود که با هم خویشاوندی یا هم‌خونی داشته باشند و نیاکان آنان یکی باشد، حتی اگر جزئیات نسب ناشناخته باشد.^{۱۸} طایفه در جامعه عشایری ایران عبارت از یک واحد اجتماعی - سیاسی متشکل از چند تیره عشایر است و در سلسله مراتب رده‌های ایلی، مهم‌ترین و مشخص‌ترین رده به‌شمار می‌رود.

تیره: در ساختار اجتماعی عشایر ایران، تیره از مجموع چند رده کوچک‌تر (مانند تش، بُنکو، گوبک، دودمان و ...) تشکیل می‌شود که عمدتاً بعد از طایفه قرار دارد و رکن اصلی طایفه و ایلی محسوب می‌شود. اساس تیره مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی واقعی و اصل و نسبی از خط صلبی (پدری) است که همبستگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاع از منافع افراد عضو را به عهده دارد.

تش: هر تیره از چندین تش (بنگوه، هوز، خِل، اُروغ، بیت) یا اردوگاه ایلی تشکیل شده که عبارت از خویشاوندانی با تبار مشترک و نزدیکان از طرف خاندان پدری است.^{۱۹}

مال: هر مال عبارتست از تعداد خانواری که بر اساس تدابیر و تصمیمات تصمیم‌گیرندگان، یعنی رئیس ایلی و ریش سفیدان، سیاه چادرهای خود را در جوار یکدیگر و در یک موقعیت معین در منطقه بیلاق یا قشلاق بنا کرده و بر اساس آن، این حق به آنها داده می‌شود که دام‌های خود را برای چرا به نواحی اطراف آن مال ببرند. نحوه تقسیم اعضای ایلی به مال و تعیین تعداد مال‌ها بر طبق روابط منطقی و بر اساس بُعد جمعیت ایلی و همچنین میزان وسعت و حاصل‌خیزی مرتع صورت می‌گیرد.^{۲۰}

خانواده: در یک منظر کلی، همه افرادی که با هم پیوندهای نسبی یا سببی داشته، اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترکی را دنبال می‌کنند و در زیر یک سیاه چادر و یا در یک خانه با هم زندگی می‌کنند یک خانواده یا خانوار ایلی را تشکیل می‌دهند.^{۲۱} در این نوع از خانواده با احتمال وجود تبادل نظر و مشورت میان زوجین در برخی زمینه‌ها، تصمیمات نهایی و ریاست خانواده بر عهده پدر خانواده و پس از او پسر ارشد است.

در بالا مهم‌ترین گونه‌ها و تقسیمات ساختار اجتماعی عشایر تبیین گردید. لکن نکته مهمی که در اینجا می‌بایست اشاره نمود آنست که در پژوهش حاضر هرگاه به مناطق یا جوامع عشیره‌ای اشاره می‌شود، استعمال واژه «عشیره‌ای»، مجازاً و به تاسی از کاربرد عرفی آن و مراد مناطقی است که چنین فرهنگ یا ساختارهایی در آن غالب است، نه آنکه معنی لغوی این واژگان مدنظر باشد. به دیگر بیان زمانی که به ارتکاب جرم خشن در منطقه عشیره‌ای می‌پردازیم،

۱۸- امان‌اللهی، اسکندر. کوچ‌نشینی در ایران، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۹۸)، ۱۵.

۱۹- مجدی علی اکبر و همکاران، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، (مشهد: نشر خانه علوم تربیتی، ۱۳۹۹)، ۵۱.

۲۰- صفی‌نژاد، جواد. «ساختار اجتماعی عشایر ایران»، فصلنامه علمی مطالعات ملی، ۵، ۱۷، (۱۳۸۳): ۳۶-۸۴-۴۳.

۲۱- مجدی علی اکبر و همکاران، پیشین، ۵۶.

منظور ارتکاب جرم در یک خانواده ده نفره (مفهوم لغوی عشیره) نیست، بلکه به مناطقی اشاره دارد که فرهنگ قومی، قبیله ای و عشایری در آن حاکم است و این مناطق حتی می تواند شامل چندین استان از کشور باشد.

ب) جرایم خشن

۱- مفهوم شناسی جرایم خشن

به منظور تعریف و تقسیم بندی جرایم خشن، ابتدا لازم است به مفهوم لغوی و اصطلاحی دو واژه «جرم» و «خشونت» بپردازیم. اندیشمندان علم حقوق نیز هر کدام «جرم» را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایش‌های نظری مکاتب فکری مختلف نشأت گرفته شده‌است. برای مثال در مکتب عدالت مطلق جرم «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف شده‌است. یا بنا به تعریف گاروفالو یکی از بنیان‌گذاران دانش جرم‌شناسی، جرم عبارتست از تعرض به احساس اخلاقی بشر؛ یعنی «جریحه دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود».^{۲۲} لکن آنچه مقصود این پژوهش است، تعریف جرم در قانون مجازات اسلامی فعلی ایران می باشد؛ یعنی: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می شود».^{۲۳}

در تبیین ماهوی دیگر واژه یعنی «خشونت»، باید گفت که تعریف مورد وفاق همگان وجود ندارد. علت این امر آن جهت است که هرکسی از دیدگاه و پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خاص به خشونت نگریسته است و یادرمقام تعریف، نوع ویژه‌ای از خشونت را در نظر داشته است و یا حتی آنان که خشونت در ساحت معین - خشونت اجتماعی - را به تعریف نشسته‌اند، به دلیل هم زیستی خشونت با زور، قدرت و نیرو، چه بسا داد و ستدهای مفهومی میان آنها صورت پذیرفته است.^{۲۴} با این وجود مفهوم و اصطلاح خشونت در موارد مختلفی اشاره شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می شود.

«خشونت» در لغت دارای معانی متعددی است. در کتب و فرهنگ لغات آمده است: «خشونت» کردن به معنی درشتی، تندی کردن، ضدّ «لینت» و نرمی، خشم، غضب و... که از خفیف ترین مصادیق «خشونت» به معنی رایج امروزی است.^{۲۵}

۲۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶): ۱۱۹.

۲۳- ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۴- هاشمی سیدحسین، «ماهیت و ابعاد خشونت در چشم انداز قرآن»، مجله پژوهش های قرآنی، ۱۰، ۳۷، (۱۳۸۳): ۱۸۹.

۲۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد یازدهم، چاپ دوم، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ۵۹۳.

خشونت در زبان لاتین معادل Violence و به معنای «استفاده از زور فیزیکی یا کلامی به منظور قرار دادن دیگران در وضعیتی برخلاف میل آن‌ها است».^{۲۶}

هم چنین «خشونت» در اصطلاح عبارت است از «اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی که شامل توهین و تهدید می شود. به علاوه اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای این خصوصیات است از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می نماید می توانند از مصادیق خشونت باشند».^{۲۷} در تعریف دیگر، «هر حمله غیرقانونی به آزادی‌هایی که جامعه رسماً یا ضمناً برای افراد خود قائل گردیده خشونت است».^{۲۸} در تعریف‌های دیگری، خشونت یعنی: «هرگونه تهاجم فیزیکی بر هستی انسان که با انگیزه وارد آوردن آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه باشد».^{۲۹} و یا «کاربرد نیروی فیزیکی و یا تهدید ناشی از کاربرد نیروی فیزیکی که می‌تواند لطمات جسمی، معنوی، بر شخص یا اشخاص بگذارد».^{۳۰}

با این اوصاف به نظر می رسد تمامی تعاریف فوق در مورد خشونت جامع و بدون نقص نمی باشند. به عنوان نمونه تعریف برخی از محققانی که اعتقاد دارند خشونت اقدام فیزیکی یا معنوی است که موجب ترس در فرد مقابل می شود، شامل تنبیه بدنی دانش آموزی که کتک خوردن توسط معلم برای وی اقدامی عادی و غیرقابل ترس است، نمی شود. زیرا اگرچه رفتار معلم موجب ترس در دانش آموز مذکور نمی شود، لکن نمی توان گفت که اقدام معلم خشونت آمیز نمی باشد. یا تعریف دیگری که خشونت را در ذیل دایره ی اقدامات فیزیکی یا تهدید به این اقدامات علیه دیگران تعریف می کند نیز جامع نمی باشد، چرا که در برخی موارد آزار روانی بدون هرگونه اقدام یا تهدید فیزیکی علیه دیگری، می تواند به مراتب آزاردهنده تر و خشن تر به شمار آید. سایر تعاریف نیز جزئی بوده و فقط جنبه ی خاصی از خشونت را بازتعریف می نمایند. با این حال تعریفی از خشونت که می تواند نسبت به سایر تعاریف جامع تر باشد عبارت است از: «هرنوع رفتار عمدی مستقیم یا غیرمستقیم و با توسل به زور، تهدید و آزار جسمی یا روانی علیه دیگری صورت می پذیرد و از نظر اکثریت عقلای جامعه ناپسند و مذموم تلقی شود».

26- askoxford.com, Oxford English Dictionary Retrieved January 8, 2009.

۲۷- رضوانی، علی اصغر، اسلام شناسی و پاسخ به شبهات، چاپ سوم، (قم: نشرمسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶)، ۳۶۱.

۲۸- طارم سری مسعود و همکاران، «مفهوم تجاوز در حقوق بین المللی»، مجله حقوقی بین المللی، ۷، ۸ (۱۳۶۶): ۷۵-۷۴.

29 - Arbi-Aster, Anthony, "Violence", in: William Outhwaite, Tom Battamore (Edis), The Blackwell Dictionary of Twentieth Century Social Thought, U.S.A, Blackwell, 1993, p. 700.

30 -Hoffmann, John, Timothy O. Ireland and Cothy Spatz Widom, "Traditional Socialization Theories of Violence: A Critical Examination", in: John Archer (Edi), Male Violence, London, Routledge, 1994, p. 239.

پس از ذکر تعاریف دو مفهوم کلیدی «خشونت» و «جرم»، در ادامه سعی می شود تعریفی مناسب از «جرایم خشن» و مهم ترین مصادیق آن تبیین و ارائه شود. ابتدا باید عنوان نمود که در میان اندیشمندان علوم جرم شناسی و حقوق کیفری تاکنون تعریفی صریح و مورد اتفاق از جرایم خشن ارائه نشده است. شاید علت عدم وفاق در ارائه تعریفی یکسان و جامع از این دسته از جرایم را بتوان معلول نسبی بودن مفهوم جرایم خشن دانست. به بیان دیگر مفهوم جرایم خشن با توجه به عوامل فرهنگی، مذهبی، سیاسی و ... در بین ملل مختلف می تواند تعاریف متفاوتی را در پی داشته باشد. برای مثال در دوران جاهلیت اعراب قبل از اسلام زنده به گور کردن دختران نه به عنوان رفتاری خشن و مجرمانه، بلکه به عنوان رفتاری عادی پذیرفته شده بود. همچنین در عصر کنونی نیز ممکن است تجاوز ارضی و نسل کشی توسط کشوری اشغالگر نسبت به کشور ضعیف تر دیگر، با توجه به عامل سیاسی و حمایت سازمان های بین المللی از آن به عنوان رفتاری مشروع و معادل مقابله با تروریسم تلقی شود. بنابراین در کشور ایران نیز مانند سایر مناطق دیگر در جهان این تعریف می تواند خاص و متفاوت باشد. با این اوصاف و با توجه به تعاریف ارائه شده از جرم و خشونت به نظر می رسد «جرم خشن» عبارت است از: «هر نوع رفتار عمدی که با توسل به زور، تهدید و آزار جسمی یا روانی علیه دیگری همراه است و مطابق با قوانین کیفری جرم تلقی و دارای مجازات می باشد».

۲- گونه شناسی جرایم خشن

از آنجایی که در قوانین کیفری ایران تعریف معینی از جرایم خشن وجود ندارد، همچنین طبقه بندی مشخصی نیز در رابطه با جرایم مذکور وجود ندارد. با این اوصاف در فصل هفدهم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، یک گروه از جرایم با عنوان «جرایم علیه اشخاص و اطفال» به صورت مجزا طبقه بندی گردیده است که عبارتند از: «قتل، ضرب و جرح (همراه با آلت جرح یا بدون آن)، منازعه، قدرت نمایی و ...». البته واضح است این گروه از جرایم نمی تواند در دسته بندی جرایم خشونت آمیز قرار گیرد؛ به این دلیل که برخی مصادیق مانند نبش قبر و مخفی سازی جسد مقتول، با تعاریف ارائه شده از مفهوم خشونت همخوانی و مطابقت ندارد. بدین جهت طبقه بندی مذکور، مانع مصادیق جرایم غیرخشونت آمیز نیست. از طرفی برخی جرایم خشونت آمیز از قبیل سرقت مسلحانه، تخریب، احراق و ... - علی رغم جرم انگاری در قانون - در این فصل دیده نمی شوند. نتیجه آنکه ذکر مصادیق مجرمانه در قوانین کیفری، ما را به طبقه بندی جامع از جرایم خشن نائل نمی سازد. از این رو می توان استنباط نمود که مقنن، ضرورت طبقه بندی مجزا برای جرایم خشونت آمیز در نظر نگرفته است و بدین ترتیب تعریف و ملاک و ضابطه تشخیص جرایم خشن به صورت مستقیم در قوانین کیفری ارائه نشده است، بلکه برای نیل به این مقصود ضمن استفاده از ذکر مصادیق جرایم خشن در

قوانین کیفری، می بایست به عرف هر جامعه و دکترین حقوقی مراجعه نمود. بر همین منوال جرایم خشن را به ترتیب زیر می توان بر سه گونه تقسیم و ارائه نمود:

۱- جرایم علیه اشخاص حقیقی؛ که قتل عمدی، ضرب و جرح عمدی، نزع دسته جمعی، اسیدپاشی، اخاذی، تهدید و قدرت نمایی باسلاح، اکراه مجرمانه از مهمترین مصادیق آن می باشند.

۲- جرایم علیه اموال دیگران؛ جرایم تخریب عمدی اموال، احراق عمدی، سرقت مقرون به آزار و نهب و غارت دسته جمعی نیز از مهمترین نمونه های جرایم خشن علیه اموال می باشند.

۳- جرایم علیه نظم و امنیت عمومی؛ جرم محاربه، اختلال در نظم عمومی از طریق تیراندازی، انفجار و خرابکاری جهت ایجاد رعب و وحشت در میان عموم را می توان به عنوان مصادیق این نوع معرفی نمود.

البته باتوجه به اینکه موضوع تحقیق حاضر پیرامون جرایم خشن در مناطق عشیره ای ایران است، از این رو تمرکز ما بیشتر بر جرایم خشن دسته اول و دوم یعنی جرایم خشن علیه اشخاص و اموال معطوف می باشد؛ زیرا از میان تمامی انواع جرایم خشن ارتكابی در مناطق مذکور، این دودسته نمود بیشتری را دارا می باشد.

پ) پیشگیری از جرم

علاوه بر شناخت علل و عوامل ارتكاب جرم، یافتن راههای پیشگیری و مقابله با آن از مهم ترین انگیزه های شکل گیری و رشد دانش جرم شناسی بوده است. هرچند دانستن علل ارتكاب جرم فی نفسه از لحاظ علمی ارزشمند است، ولی در عمل بررسی این علل و عوامل، به منظور کشف راههای مناسب به منظور پیشگیری از آن می باشد.^{۳۱} در ادامه مفهوم و مدل های پیشگیری مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- مفهوم شناسی پیشگیری از جرم

در لغت، مفهوم پیشگیری بر «جلوگیری» و «دفع» یک رویداد قبل از وقوع آن، اطلاق شده است.^{۳۲} تعریف پیشگیری از جرم در ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ اینگونه آمده است: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن». در تعریف مقنن پیشگیری از جرم شامل دو مرحله می باشد که در وهله اول، قبل یا بعد از وقوع یک جرم، می بایست میزان خطر حاصل از آن تشخیص و ارزیابی شود و در مرحله واپسین، تدابیری در جهت کاهش یا از بین بردن خطر وقوع جرم اتخاذ شود. هم چنین بدیهی است که مراد از جرم، همان تعریف مد نظر مقنن در ماده ۲ قانون مجازات

۳۱- محسنی، فرید. جرم شناسی. چاپ اول، (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴)، ۵۶.

۳۲- معین، محمد. فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ سوم، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷)، ۹۳۳.

اسلامی می باشد. البته از نظر نگارندگان چنانچه مقنن به همراه عبارت «خطر وقوع جرم»، به عبارت «انحراف یا کجروی»^{۳۳} نیز اشاره می نمود، شیوه تقنین نصّ مذکور از جامعیت و پشتوانه علمی بیشتری برخوردار می گردید؛ چرا که در رهیافت های جرم شناسی نظری، بسیاری از انحرافات بیانگر این هشدار هستند که ممکن است فرد را در معرض ارتکاب بزهکاری قرار دهند. از این رو می توان انحراف را به مثابه ی نشانگانی دانست که با استعانت از آن می توان قبل از گرفتار شدن فرد منحرف در ورطه بزهکاری، با شیوه های مناسب مقوله پیشگیری از جرم را تدبیر و عملی نمود. هم چنین پیشگیری از جرم در نوشتگان جرم شناسی، بدین ترتیب است که جرم شناس به دنبال آن است که با شیوه ها و ابزارهای گوناگون، شرایط لازم برای فعلیت یافتن عمل مجرمانه را از افراد در معرض ارتکاب آن، سلب نماید؛ یا در صورت وقوع جرم، از ارتکاب مجدد آن جلوگیری نماید. در بند بعدی مهم ترین گونه های پیشگیری از جرم ارائه و تحلیل خواهد شد.

۲- گونه شناسی پیشگیری از جرم

در نوشتگان جرم شناسی، پیشگیری به دو قسم مضیق و موسع تعریف شده است، به گونه ای که در مفهوم مضیق، صرفاً شامل اقدام های کیفری سرکوب گرانه ای (واکنشی) می شود که نخستین بار از سوی بنیان گذاران مکتب تحقیقی مطرح شد.^{۳۴} در این دیدگاه مقابله با پدیده مجرمانه صرفاً از طریق اقدامات قهرآمیز کیفری صورت می پذیرد. در واقع، این نوع پیشگیری منوط به ارتکاب جرم است تا متعاقباً با اجرای مجازات نسبت به تکرار مجدد جرم توسط مرتکب جلوگیری به عمل آورد. در مقابل، پیشگیری در مفهوم موسع، شامل اقدامات کیفری (واکنشی) و غیرکیفری (کنشی) برای مبارزه با بزهکاری می شود.^{۳۵} مفهوم اخیر از پیشگیری که به پیشگیری کنشی نیز معروف است، آن دسته از تدابیر غیر کیفری هستند که پیش از تحقق رفتار مجرمانه به صورت کاهش یا حذف علل و عوامل جرم زا عمل کرده و در دو حوزه پیشگیری اجتماعی و وضعی مطرح شده اند.^{۳۶} در بخش مقدمه اشاره کردیم که آنچه از پیشگیری در جامعه عشیره ای، ملاک نظر مقاله حاضر است، مربوط به پیشگیری غیرکیفری می باشد؛ بدین ترتیب در ادامه، محور اساسی و ابتناء بحث صرفاً بر این نوع پیشگیری معطوف خواهد بود.

۳۳- منظور از انحراف، نقض هنجارهای مورد وفاق جامعه است که سرزنش شدید اجتماعی را به دنبال داشته، لکن فاقد ضمانت اجرای کیفری می باشد.

انحراف اگر چه جرم به حساب نمی آید، ولی رفتاری نزدیک به جرم و آستانه ارتکاب جرائم محسوب می شود. / ر.ک: محسنی، فرید. پیشین، ۱۶۲-۱۶۱.

۳۴- پرادل، ژان. تاریخ اندیشه های کیفری؛ ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱): ۹۶.

۳۵- نیازپور، امیرحسین. «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۴۸، (۱۳۸۳): ۱۷۰.

۳۶- صبح دل، محمد. «جایگاه حقوقی قوه قضاییه در پیشگیری اجتماعی»، فصلنامه قانون یار، ۴، (۱۳۹۶): ۹۴.

پیشگیری اجتماعی،^{۳۷} تدابیری است که به منظور بهبود شرایط زندگی افراد جامعه، سالم سازی محیط اجتماعی و در نهایت پیشگیری از بزهکاری انجام می گیرد. این نوع پیشگیری غیرکیفری که با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می شود، بر فرایند شکل گیری شخصیت فرد یا پیرامون او تأثیر گذار است.^{۳۸} پیشگیری اجتماعی خود به دو بخش جامعه مدار و رشد مدار تقسیم می شود. در بخش نخست شاهد بیشترین تمرکز بر روی برنامه ها و سیستم های تکمیلی هستیم که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت های شغلی و اوقات فراغت دارد تا با ایجاد محیطی سالم به هدف ایده آل خود مبنی بر حذف یا کاهش جرم دست یابد. بخش دوم نیز سعی بر تمرکز بر کودکانی دارد که در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. فرایند جامعه پذیری این گروه، تحت نفوذ خانواده، گروه همسالان، همسایگان و معلمان قرار دارد و تأثیر مادام العمر بر عقاید، ارزشها و رفتارها و کردار کودک باقی می گذارد. در واقع می توان گفت که عواملی مانند یادگیری نگرش های بزهکارانه از همسالان، احساس عدم تعلق به مدرسه و تجربه درگیری و تضاد با خانواده به بروز رفتار ضداجتماعی کمک می کند.^{۳۹} پیشگیری وضعی^{۴۰} نیز قسم دیگر پیشگیری غیرکیفری است که به زعم عده ای از جرم شناسان بر مجموعه اقداماتی می شود که با محوریت آشکال خاصی از جرم و با اتخاذ تدابیری از قبیل مدیریت، طراحی یا مداخله فوری در محیط به صورت هدفمند و دائمی اجرا می شوند، به گونه ای که تا حد ممکن موقعیت ها و فرصت های جرم را کاهش داده و خطرات آن را که توسط طیف وسیعی از بزهکاران، ملموس و عینی است، افزایش می دهد.^{۴۱} با در نظر داشتن ظرفیت محدود این مقاله، تنها به همین مقدار تعریف و تبیین از پیشگیری غیرکیفری و اقسام آن اکتفا می شود، لکن با توجه به هدف این پژوهش، در بند دوم پیش رو، چالش های پیشگیری و متعاقباً در بند سوم، شیوه های پیشگیری غیرکیفری از جرایم خشن در جوامع عشایری را بررسی و تحلیل خواهیم نمود.

بند دوم: چالش های پیشگیری از جرایم خشن در جامعه عشیره ای

فرهنگ جوامع عشیره ای شامل مجموعه ارزش ها، باورها، سنت ها، عادات، اعتقادات، سبک و شیوه زندگی و تفکر کلی است که در جوامع عشایری وجود دارد و از نظر جامعه شناسی و انسان شناسی از دیگر مناطق کشور متمایز است. این

37 - social prevention

۳۸- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. «پیشگیری عادلانه از جرم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳): ۵۷۰-۵۶۹.

۳۹- تقی پور، علیرضا. «پیشگیری غیرکیفری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۸، ۲۴، (۱۳۹۸): ۳.

Doi: 10.22034/QJPLK.2019.170

40 - situation pervention

41 - Clarke, R. V, Situational Crime Prevention, In Michael Tonry and David P. Farrington [eds], Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention, Crime and Justice, Vol. 19, Chicago, IL: University of Chicago Press, 1995, p 88.

فرهنگ علاوه بر اینکه در جهت دهی به جنبه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تاثیر بسزایی دارد، همچنین می تواند بر وقوع جرایم خشن و پیشگیری از آن تاثیرات مثبت و منفی داشته باشد. آداب، رسوم و فرهنگ عشایر ایران چنان متنوع و گسترده است که پرداختن به ویژگی های خاص هر منطقه، خود به تنهایی تحقیقی مفصل و جداگانه را می طلبد. با این وجود در این مقاله برخی از مهم ترین ویژگی های فرهنگی که بین اکثریت جمعیت عشایری کشور مشترک بوده را ذکر خواهیم کرد و به صورت دقیق به خصیصه هایی که پیشگیری از جرایم خشن را با مشکل مواجه می سازد اشاره خواهیم داشت.

الف) تعصبات طایفه ای

به نظر می رسد در میان عشایر ایران به جهت حاکمیت سبک زندگی و فرهنگ سنتی، تعصبات قومی نسبت به سایر مناطق ظهور بیشتری داشته باشد. تحقیقی که در زمینه قومیت گرایی بر روی هشت قوم آذری، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و تالش در ایران انجام شده، بیانگر آن است که قوم مداری در بین این اقوام ایرانی بالاست.^{۴۲} تعصبات قومی و طایفه ای می تواند معلول دو عامل فردی و اجتماعی باشد. در رابطه با عامل اول باید عنوان داشت که در علم روانشناسی نیم کره راست مغز انسان مربوط به احساسات و نیم کره چپ نیز مسئول منطق و کنترل رفتار می باشد.^{۴۳} در بسیاری از مناطق عشایری ممکن است یک شخص به صرف احساس کورکورانه و تقلید از پدران دچار وابستگی شدید به یک گروه قومی شود و در ذهن خود این وابستگی را نوعی افتخار و ارزش اجتماعی تلقی و معرفی نماید. چنین دیدگاهی موجب می شود که قوه عاقله این فرد در ضعیف ترین حالت ممکن قرار بگیرد و در زمان هایی که در معرض ارتکاب جرم قرار گیرد، تحت تاثیر این احساس تعلق به راحتی مرتکب جرم شود. در توضیح عوامل اجتماعی موثر در ایجاد تعصبات طایفه ای نیز باید به نقش فرهنگ سنتی، فضای درونی خانواده، محیط جامعه محل زندگی اشاره نمود که در برخی مناطق عشایری تعصبات طایفه ای را به عنوان که هنجار و ارزش مقبول معرفی می نمایند و فردی که پایبندی بیشتری به این موضوع داشته باشد، گویی ارزش بیشتری را در میان آن جامعه کسب نموده است. بدون تردید ارزش های اساسی هر فرد تعیین کننده خط مشی و تصمیمات مهم زندگی وی می باشد که این موضوع حسب ارزش انتخابی فرد می تواند مورد نقد یا تحسین قرار گیرد. برای مثال شخصی که برای دفاع از خاک کشور خود در مقابل تهاجم بیگانگان جان خود را نثار می کند، بدون شک اقدام بسیار ارزشمندی را انجام داده است؛ در مقابل چنانچه شخصی مرتکب ضرب و جرح یا قتل شخص دیگر شود صرفاً به این دلیل که نسبت به بزرگ یا

۴۲- علی یوسفی، احمدرضا اصغرپور ماسوله، «قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، دانشنامه علوم اجتماعی تربیت مدرس، ۱، ۱ (۱۳۸۸):

43- Nicola Palomero-Gallagher and Katrin Amunts, "A short review on emotion processing: a lateralized network of neuronal networks", Brain Structure and Function, 227 (2022): 677. Doi:10.1007/ss00429-021-02331-7.

کدخدای طایفه ای که مجرم به آن تعلق دارد توهین و هتک حرمت نموده است، قطعاً مرتکب رفتاری اشتباه و بسیار مذموم شده است. علاوه بر این، تعصبات قومی و طایفه‌ای می‌توانند به وجود آورنده تفکرات «ما و آنها» شوند که در نتیجه آن، اعضای یک گروه به عنوان دشمنان دیده می‌شوند و برای مقابله با آنها از انواع خشونت و جرم‌آمیز استفاده می‌کنند. این تفکرات «ما و آنها» ممکن است به تشویق به عمل‌های خشونت‌آمیز نزد افراد این گروه منجر شود و باعث افزایش جرایم خشن در برابر افراد یا گروه‌های مخالف شود.

ب) سنت‌ها و ارزش‌های ناکارآمد

بدیهی است هر جامعه ای در هر مقیاسی کوچک یا بزرگ، دارای ارزش‌ها و سنن مخصوص به خود می‌باشد. این مولفه‌های فرهنگی هم می‌تواند مطلوب و هم نامطلوب قلمداد شود که با گذر اعصار و دوره‌های مختلف دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شوند. در مناطق دارای فرهنگ بسته و درهم تنیده که مردم آن پایبندی عمیقی به فرهنگ حاکم بر محل زیست خود دارند، برخی از رسوم نابهنجار به سختی دچار تغییر و تحول می‌شود. با وجود بسیاری از ویژگی‌های مثبت جامعه عشایری، برخی از رسوم و سنن نامطلوب آن مستعد وقوع جرایم خشن می‌باشد.^{۴۴} در ادامه به برخی از سنن و رسوم غلط اشاره خواهیم کرد: ۱- رسم تیراندازی در مراسمات عروسی و عزا که بعضاً بر اثر خطای در شلیک یا عدم مهارت ضارب سبب جراحت یا قتل دیگران می‌شود.^{۴۵} ۲- آیین چوب بازی در جشن و شادی‌ها که بیشتر در بین قوم بختیاری مناطق زاگرس نشین رواج دارد. در این بازی دو مرد با دو چوب به مبارزه نمادین با یکدیگر می‌پردازند که یک نفر در نقش مهاجم و دیگری مدافع قرار می‌گیرد.^{۴۶ و ۴۷} این بازی ممکن است منجر به صدمات جسمانی مانند کبودی و یا حتی شکستگی دست و پا و گاهی نیز سبب قتل غیر عمدی شود.^{۴۸} از نظر نگارندگان این رفتار می‌تواند جرم ایراد ضرب یا جرح عمدی تلقی شود؛ به این استدلال که اولاً: بدیهی است که مجرد انگیزه ناشی از

۴۴ - سید سجاد کاظمی سرکانه، «آن سوی دیوار سوءظن، نگاهی به تأثیر آداب و رسوم بر وقوع قتل‌های شرافتی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۵، ۱۶ (۱۳۸۹): ۱۱۷.

۴۵- به گزارش خبرگزاری فارس از شادگان، باز هم تیراندازی در مراسم جشن و عروسی در شهرستان حادثه‌ساز شد و برخی از اهالی این شهر را به سوگ نشاند. در پی استفاده از سلاح گرم و شلیک هوایی به بهانه خوشحالی در مراسم عروسی، یک نفر از اهالی شادگان کشته و فردی دیگر دچار مصدومیت شد... آدرس خبر: «تیراندازی در شادگان عروسی را به عزا تبدیل کرد»، google، ۱۳۹۶/۰۱/۰۸، <https://www.tabnak.ir/fa/news/680120/>

۴۶- سریا داوودی حموله، دانشنامه قوم بختیاری، (اهواز: نشر معتبر، ۱۳۹۳)، ۴۷۵.

۴۷- رضا سرلک، آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ، (تهران: نشر طهوری، ۱۳۸۵)، ۳۸.

۴۸- جمعه ۱۰ مرداد ۹۸ در جشن عروسی یکی از اهالی منطقه صمصامی شهرستان کوهرنگ هنگام اجرای برنامه محلی چوب بازی که از آیین‌های کهن این منطقه است، چوب از دست یکی از بازیگران رها شد و به پشت گوش و سر یکی از تماشاگران برخورد کرد. مصدوم اول متأسفانه جان خود را از دست داد و مصدوم دوم پس از اقدامات درمانی ترخیص شد. آدرس خبر: «آیین سنتی چوب بازی دو کشته و زخمی برجای گذاشت»، google، ۱۱

مرداد ۱۳۹۸، <https://www.yjc.ir/fa/news/7023261/>

این رفتار که جشن و شادی است، نمی تواند از منظر قوانین کیفری مجاز تلقی شود. ثانیاً: چنانچه به منظور جرم ندانستن این رفتار بر فقدان رکن روانی رفتار مورد اشاره تاکید شود نیز دارای اشکال است؛ زیرا که مطابق با ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ابتدا علم به موضوع جرم محرز است، یعنی ضارب علم و آگاهی بر نواختن ضربات بر جسم انسان دیگری را دارد. از طرف دیگر حتی اگر قصد مستقیم نتیجه یعنی مصدوم شدن مضروب را نداشته باشد، بدون تردید قصد تبعی یا علم به وقوع چنین نتیجه ای را دارد و همین امر برای محقق شدن رکن روانی جرم مذکور کافی تلقی می شود. ۳- عامل دیگر نادیده گرفتن حقوق زنان است که می تواند آنان را مستعد بزه دیدگی نماید. در این زمینه مواردی را می توان بر شمرد از قبیل: محرومیت زنان از ماترک یا ارث بری، عدم تمایل اکثریت جامعه مردان این مناطق به شاغل بودن یا استقلال مالی زنان، ازدواج دختران در سنین خیلی پایین، سنت قدیمی که طبق آن دختری از خانواده قاتل جهت تشفی خاطر خانواده مقتول به عقد آنان در می آید و تا آخر عمر خود مورد انواع هجمه ها و خشونت ها قرار می گیرد.^{۴۹} در میان اعراب خوزستان از آن به عنوان «ازدواج فصل» یاد می شود. وجود دارد. زنانی که به این صورت مبادله می شوند، «فصلیه» نام دارند. وی به جز غذا خوردن حق دیگری ندارد. به زن فصلیه، شیر بها تعلق نمی گیرد و حق طلاق نیز ندارد، ولی بنا به تمایل شوهر میزانی مهریه برای او تعیین می شود. در اغلب ایلات دیگر کم و بیش این گونه ازدواج وجود دارد.^{۵۰} چنین مواردی موجب تضعیف جایگاه زن و نادیده گرفتن حقوق آنان گردیده و سبب انعکاس ضعف و بی پناهی جنسیت زن در اذهان عموم این مناطق می شود. این هنجارها بعضاً سبب تحریک برخی مردان شده که به سهولت و بدون ترس از سرزنش جامعه محلی مرتکب انواع خشونت علیه زنان شود.

۴- عامل بعدی زمینه ساز جرایم خشن، علاقه شدید به داشتن سلاح گرم در مناطق عشایری است؛ تا حدی که سلاح گرم در بسیاری از سروده های محلی ستایش شده است.^{۵۱} این موضوع نیز پیشگیری از جرایم خشن مرتبط با سلاح را در این مناطق با مشکل جدی مواجه می سازد؛ زیرا که از لحاظ روانشناختی وقتی فردی سلاح در اختیار داشته باشد، اطمینان خاطر بیشتری دارد و همچنین برای ارتکاب جرم جسارت بیشتری پیدا می کند. از طرف دیگر وقتی سلاح به راحتی در دسترس همگان باشد، از آنجایی که همه افراد خویشتن دار نیستند و درکشور ما مانند برخی کشورهای دیگر که حمل و نگهداری سلاح در آن سهل تر است فرهنگ و قوانین استفاده از آن آموزش داده نمی شود، از این رو به

۴۹- عبدالعلی خسروی، «فرهنگ بختیاری»، (اصفهان: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۲)، ۱۷۰.

۵۰- غلام رضا ارجمندی و ابوالقاسم نوروزی، «حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه: رسم خون بری یا خون بس»، نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰، (۱۳۸۹): ۳۸.

۵۱- معصومه باقری، مرضیه شهریاری، سجاد بهمنی و علی بوداقتی، «واکاوی تعیین گرهای اجتماعی و فرهنگی نگهداری و استفاده از سلاح گرم در استان خوزستان»، پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۲، ۴۳ (۱۴۰۲): ۳۷. Doi: 10.22108/SRSPI.2024.137410.1902

محض هر نوع اختلاف یا درگیری ممکن است از سلاح استفاده شود و منجر به جرح یا قتل منازعین گردد. سنن و رسوم منفی دیگری نیز وجود دارد که دستگاه عدالت کیفری را در کنترل و کاهش جرایم خشن با چالش های جدی رو برو می سازد، لکن چون ذکر تمامی آنان خارج از ظرفیت این مقاله است به موارد مذکور بسنده می شود.

پ) ناآگاهی از حقوق و تکالیف

یکی دیگر از چالش های پیشگیری را می توان عدم اطلاع و آشنایی کافی با حقوق و تکالیف قانونی برشمرد. یکی از خلاء های موجود در مناطق عشایری، محدودیت دسترسی به آموزش و اطلاعات حقوقی است. بسیاری از مردم جوامع عشایری در مناطق دورافتاده و کم جمعیت زندگی می کنند که به منابع آموزشی مطلوب دسترسی ندارند. به علاوه، شرایط زندگی کوچ نشینی و روستا نشینی باعث می شود که این افراد ارتباط کمتری با ساختارهای رسمی دولتی داشته باشند؛ این امر می تواند سبب محدودیت در آگاهی آنها از قوانین و مقررات شود. همچنین عوامل ناشی از فرهنگ سنتی نیز ممکن است بر پذیرش مفاهیم حقوقی مدرن تأثیر بگذارد و موجب شود که مردم عشایری به جای اعتماد به نظام حقوقی رسمی، به قوانین و عرف های داخلی خود رجوع کنند. در شرایطی که افراد از حقوق خود آگاهی نداشته باشند، ممکن است در مواجهه با مشکلات و اختلافات به جای توسل به راه حل های قانونی، خود درصدد پاسخ برآیند و واکنش آنها توأم با خشونت باشد؛ زیرا اطلاع ندارند که از طریق سازوکارهای قانونی قادر به حل مشکلات خود خواهند بود. به عنوان نمونه در بسیاری موارد وجود اختلافات ملکی در مناطق عشایری به جای آنکه در محاکم قضایی حل و فصل شود، منجر به نزاع و درگیری و خشونت می شود. البته در این نمونه و سایر موارد اختلاف نمی توان گفت که تنها عامل واکنش های خشونت آمیز در مواجهه با اختلافات، فقدان آگاهی از اطلاعات حقوقی است؛ بلکه علل دیگر را می توان در بستر کمبود منابع ارضی، عدم تعیین دقیق حدود املاک و فقدان راه حل های قانونی معتبر مانند طرح کاداستر یا ثبت رسمی املاک برای رفع منازعات ملکی، جستجو کرد. همچنین گاهی در کنار عامل مذکور، به سبب حفظ از برچسب هایی از جمله بی عرضگی و ضعیف بودن در بین جامعه محلی، ممکن است چنین واکنش های خشونت آمیزی را شاهد باشیم.

اگر افراد اطلاع نداشته باشند که چه رفتاری قانونی یا غیرقانونی است و از طرفی از تکالیف و مسئولیت های قانونی خود آگاهی نداشته باشند، احتمال بیشتری می رود که به طور ناآگاهانه یا بی توجهی به تبعات قانونی مرتکب جرم شوند. این موضوع علاوه بر اینکه موجب افزایش بی نظمی و خشونت های مجرمانه می شود، باعث می شود که سیستم های رسمی پیشگیری از جرم عملکرد مطلوبی نداشته باشند، زیرا جامعه محلی از قوانین مشترک و رفتارهای مورد انتظار اطلاع لازم را ندارد.

ت) عدم اعتماد به سیستم عدالت کیفری

عدم اعتماد به سیستم عدالت کیفری از عوامل متعددی ناشی می شود که به تنهایی یا در تقارن با دیگر عوامل سبب می شود افراد در جامعه عشایری به جای اعتماد به سیستم قضایی و مجریان عدالت، به شیوه های خودیاری یا رفتارهای خشونت آمیز روی آورند. علل مذکور را می توان در دو دسته تقسیم بندی و تحلیل نمود:

دسته اول مربوط به خود جامعه محلی و فرهنگ سنتی حاکم بر آن است. وابستگی شدید افراد به فرهنگ سنتی و بعضاً غیرمنعطف، اغلب ریشه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دارد که افراد را به پیروی از روش های غیررسمی و سنتی حل و فصل اختلافات تشویق می کند. برای مثال از آنجایی که مفهوم «غیرت» و حفظ آبرو و جایگاه اجتماعی در جوامع عشایری از اهمیت بالایی برخوردار است، بسیاری از افراد از ترس اینکه با طرح شکایت در مراجع قانونی، آبروی خود یا طایفه شان خدشه دار شود، از پیگیری حقوق خود از طریق مراجع قانونی امتناع می کنند. مضافاً اینکه در بسیاری از جوامع سنتی و عشایری روابط خانوادگی و قبیله ای اهمیت وافری دارد و افراد تمایل دارند تا اختلافات خود را در چارچوب فضای این روابط حل کنند. این پایبندی به فرهنگ سنتی می تواند منجر به رویکردهایی مانند داوری داخلی، مذاکره بین بزرگان قبیله، یا حتی روش های خشونت آمیز برای حل اختلافات شود. به نظر می رسد علاوه بر تاثیرپذیری از فرهنگ سنتی، چنین دیدگاهی معلول عدم آگاهی از عملکرد سیستم عدالت کیفری، عدم اعتماد به کارایی آن و یا نگرانی از دست دادن کنترل مشکل به وجود آمده در برابر سیستم قضایی نیز باشد. وقتی مردم محلی بر این باور باشند که روش های سنتی، حتی اگر سخت و خشونت آمیز باشند، کارآمدتر از سیستم عدالت کیفری هستند، به تناسب تمایل به ارجاع اختلاف به مراجع قانونی کاهش پیدا می کند. همچنین عوامل دیگری نیز در تقارن با فرهنگ سنتی نقش موثری در تشدید بی اعتمادی به سیستم کیفری ایفاء می کند. برای نمونه اگر مردم از انتقام مجرمین یا شرکای آنها ترس داشته باشند، باعث می شود از گزارش جرایم را به مراجع قانونی یا همکاری با متولیان نظام کیفری خودداری نمایند. همچنین ترس از مواجهه با ساختارهای رسمی و بیگانه سیستم کیفری که ممکن است با ارزش های سنتی آنها همخوانی نداشته باشد، می تواند عاملی دیگر برای عدم اطمینان به سیستم عدالت کیفری باشد. در نتیجه این امر بعضاً منجر به انتقام خصوصی و رفتارهای خشونت آمیز می شود.

دسته دوم ایراداتی هستند که به سیستم عدالت کیفری مربوط می شوند و موجب بی اعتمادی جامعه محلی می شود. عللی از جمله اطلاع دادرسی می تواند باعث ناامیدی و گسست مردم از سیستم قضایی شود. وقتی که فصل خصومت در مورد یک پرونده مدت ها به طول انجامد، این احساس و ذهنیت را در مردم ایجاد می کند که در سیستم قضایی عدالت به موقع برقرار نمی شود و این امر منجر به کاهش اعتماد عمومی می شود. اطلاع در دادرسی ها ممکن است ناشی از کمبود منابع

انسانی، ضعف مدیریتی و فرآیندهای ناکارآمد باشد. کند شدن روند رسیدگی ها می‌تواند سبب گرایش افراد به راه‌حل‌های سریع‌تر، اما غیررسمی شود؛ حتی اگر این راه‌حل‌ها به خشونت یا حل اختلافات به شیوه‌های سنتی منجر شود. فساد و سوءاستفاده از قدرت، عدم شفافیت و پاسخگویی و ناکارآمدی در حل و فصل اختلافات را نیز می‌تواند از جمله عوامل دیگری بر شمرد که خود سیستم عدالت کیفری از این رهگذر موجب نارضایتی مردم جامعه عشایری و عدم گزینش مراجع قانونی به عنوان مکانیسم های قانونی حل اختلاف خواهد شد.

ث) دگرگونی در سبک و شیوه زندگی

در چند دهه اخیر سبک و شیوه زندگی عشایری به مرور دچار دگرگونی و تحولاتی شده است. یکی از عوامل موثر در تغییر الگوی زیستی جامعه مذکور، مهاجرت های گروهی عشایر به شهرها بوده است. افراد مهاجر حتی پس از انتقال محل زندگی خود به شهر کماکان ارتباطات و مراودات خود را با خویشان و زادگاه خود حفظ می نمودند. در بستر این معاشرت ها شماری از پارادایم های زندگی شهری به مناطق عشایری منتقل می شد و به مرور زمان تغییراتی در شیوه زندگی حاصل می گردید. البته در حال حاضر در اثر افزایش سرعت روند جهانی شدن و نفوذ فراگیر رسانه های اجتماعی، حتی فارغ از چنین رفت و آمدهایی نیز تحولات فرهنگی و اجتماعی تمامی ابعاد زندگی عشایری را احاطه نموده است. امروزه مردم جامعه عشایری حتی بدون حضور فیزیکی و تردد در شهرها، در منزل خود و با دیدن ظواهر زندگی شهری و جهانی در شبکه های اجتماعی، از نظر الگوی فکری در معرض تغییر قرار گرفته و این تغییر تمامی جنبه های زندگی آنها، از پوشش تا رفتار و افکار را در بر می گیرد.

تحولات مورد اشاره و گذار از زندگی سنتی به مدرن قابلیت ایجاد چالش‌هایی در پیشگیری از جرم را دارد. بدین صورت که این تغییرات می‌تواند سبب ایجاد تعارض های فکری و فرهنگی برای افراد شده و به عنوان علل محرک برای خشونت های مجرمانه مطرح شود. توضیح آنکه هنگام مواجهه افراد با سبک زندگی مدرن، ممکن است با تضادهایی بین ارزش‌ها و باورهای خود مواجه شوند. ارزش‌های سنتی ممکن است تأکید بیشتری بر تعاون جمعی، اتکاء بر ارتباطات خانوادگی و قبیله‌ای، حفظ فرهنگ و رسوم قدیمی داشته باشد و درمقابل ارزش‌های مدرن به استقلال و توسعه فردی و پذیرش اصول جامعه جدید و جهانی‌تر تمایل داشته باشد. برای نمونه تا قبل از سرایت الگوهای جدید سبک زندگی به مناطق عشایری، زنان از حقوق کمتری برخوردار بوده و علاوه بر خانه داری، در امور مردانه مانند دامداری و کشاورزی نیز مساعدت کرده و در اکثر امور مطیع مردان بوده اند. به مرور زمان و ضمن آشنایی با جنبش های فمینیستی و مقایسه خود با زنان جوامع دیگر، بعضی از زنان جامعه عشایری که تاکنون به جهت فرهنگ حاکم از بسیاری از حقوق خود اغماض نموده اند، ممکن است پیگیر بسیاری از حقوق قانونی یا حتی فراتر از آن برونند. در ادامه

بسیاری از مطالبات زنان از نظر مردان با تفکر سنتی، شورشی علیه مردانگی ایشان و ارزش های عشایری تلقی می شود. این امر می تواند موجب بروز اختلافات شدید و حتی درگیری و رفتارهای خشن علیه زنان شود. یا اینکه فرضاً ممکن است یک جوان دارای تحصیلات عالی دانشگاهی با تیپ و ظاهر اداری با تاثیرپذیری از فرهنگ علاقه به سلاح گرم در میان عشایر، یک قبضه اسلحه در خودروی خود نگهداری و با آن تردد نماید. در دسترس بودن اسلحه، خطر استفاده از آن را به محض کوچکترین تصادف یا مشاجره در حین رانندگی افزایش می دهد.

از مطالب مذکور اینگونه استنباط می شود که تغییر در سبک و الگوی زندگی عشایر، در عین حال که ممکن است آسایش و امکانات بیشتری را فراهم آورد، از طرف دیگر موجب ظهور تعارض هایی بین فرهنگ سنتی و جدید می شود که به نمونه هایی از آن اشاره گردید. این تضادها و اصطکاک بین دو فرهنگ بعضاً منجر به عدم تعادل در شخصیت و ارزش های افراد می شود که این وضعیت می تواند افزایش ناپایداری روانی و اجتماعی و به تبع آن واکنش های خشن را در پی داشته باشد.

بند سوم: راهکاری پیشگیرانه در قبال جرایم خشن جامعه عشیره ای

یکی از ویژگی های جرم شناسی به عنوان علم تبیین پدیده مجرمانه و ارائه راهکارهای اصلاح و پیشگیرانه،^{۵۲} فرا مرزی بودن آن می باشد. خصیصه فراملی بودن آن سبب گردیده که مطالعات جرم شناسی غالباً در سطح کلان و جهانی صورت گرفته و بانی نظریات مربوط به این علم باشد. جرم شناسی تاکنون به جایگاه واقعی خود در نظام کیفری ایران دست نیافته است و هم اکنون در حال پیشرفت در این مسیر می باشد. علت این امر آن است که غالب منابع جرم شناسی در ایران ترجمه و برگردان افکار و تقریرات جرم شناسان غربی بوده و کمتر به بومی سازی آموزه های جرم شناسی در تطبیق با فرهنگ ایرانی و در مقیاس محدودتر فرهنگ عشایری پرداخته شده است. بنابراین در این قسمت ابتدا برآنیم که در بستر جرم شناسی نظری، علل تکوین جرایم خشن در جامعه عشایری مورد نقد و بررسی قرار بگیرد و در ادامه سعی می شود بر پایه فرهنگ و سنن بومی راهبردها و شیوه های پیشگیری از جرایم خشن ارائه و تجویز شود.

الف) تبیین علی در بستر فرهنگ بومی

در بادی امر اشاره به این نکته ضروری است که اگرچه عنوان تحقیق معطوف به موضوع «پیشگیری» است، اما مرحله مقدماتی و ضروری پیشگیری همان کشف و تبیین علی پدیده مجرمانه است؛ توضیح آنکه تا زمانی که علت ها ناشناخته

۵۲- مهدی کی نیا، مبانی جرم شناسی، (تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸)، ۲.

بماند، اصولاً پیشگیری از جرم ناممکن خواهد بود. بنابراین قبل از ورود به مبحث بعدی یعنی راهکارهای پیشگیری، بررسی نظری علل جرایم خشن در جامعه عشایری ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

وقوع جرایم خشن در مناطق عشایری ایران محدود به یک علت واحد نمی‌شود، بلکه برای ریشه یابی جرم شناختی این پدیده می‌بایست نظریات متعددی را مورد تحلیل قرار داد که در ادامه به مهمترین رویکردهای جرم‌شناسانه در این زمینه اشاره خواهیم کرد:

۱- در سال ۱۹۳۸ جرم‌شناس سوئدی تبار آمریکایی به نام تورستن سلین^{۵۳} نظریه ای تحت عنوان «تعارض فرهنگی»^{۵۴} را مطرح نمود که بر مبنای آن بر این باور است که جرم ناشی از برخورد فرهنگ‌ها و نتیجه‌ی تعارض موجود بین آنها است.^{۵۵} یعنی تضاد موجود بین قوانین رسمی یک کشور و هنجارهای رفتاری خاص یک گروه قومی یا نژادی سبب وقوع جرم می‌شود. زمانی که تعارض فرهنگ‌ها به وجود می‌آید، اطاعت از هنجارهای خرده فرهنگی می‌تواند به عنوان فعل مجرمانه خود را نشان دهند. در برخی استان‌های عشایری ایران اگر فردی بزه دیده جرایم خشن واقع شود، به صورت پراکنده خرده فرهنگ مقابله به مثل از طرف بزه دیده یا خانواده وی حاکم می‌باشد، بدون آنکه اختلاف به مراجع قضایی ارجاع شود. فرض کنیم اولیای دم شخصی که به قتل رسیده، راساً و بدون مجوز قانونی به قاتل دسترسی پیدا کرده و وی را به قتل برسانند. این خرده فرهنگ در تعارض با فرهنگ و قوانین رسمی کیفری کشور می‌باشد. بدین وصف که طبق مواد ۴۱۹ و ۴۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قصاص نفس پس از استیذان از مقام رهبری از طریق واحد اجرای احکام کیفری مربوط انجام می‌گیرد و اگر ولی دم یا صاحب حق قصاص برخلاف مقررات اقدام به قصاص کند، به حبس تعزیری محکوم خواهد شد. بنابراین تضاد بین فرهنگ و قوانین رسمی کشور با خرده فرهنگ‌های بومی متعارض بدین شکل می‌تواند سبب بروز خشونت‌های مجرمانه شود.

۲- نظریه فشار^{۵۶} یک نظریه جامعه‌شناختی در حوزه جرم‌شناسی است که در سال ۱۹۳۸ میلادی توسط رابرت کی. مرتن^{۵۷} توسعه یافت. این رهیافت به طور کلی بیان می‌کند که جامعه افراد را برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی مورد فشار قرار می‌دهد و این فشار زمانی ایجاد می‌شود که ابزارها و فرصت‌های یکسان برای رسیدن به اهداف در دسترس همه افراد نباشد.^{۵۸} این فشار ممکن است در قالب واکنش‌های مجرمانه مانند رفتارها خشن بروز یابد. محرومیت اقتصادی، عدم اشتغال و محدودیت منابع معیشتی در بسیاری از مناطق عشایری به نسبت جوامع شهری

53 - Thorsten sellin
54 - cultural conflict

۵۵- جاوید صلاحی، کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳)، ۱۱۵.

56 - strain theory
57 - Robert k. Merton

58 - Robert k. Merton, social and anomie "American sociological review", vol.3, no.5, (oct. 1938), pp.672-682.

گسترده تر است. این محدودیت ها و ناپایداری اقتصادی و اجتماعی ناشی از شیوه زندگی روستا نشینی و کوچ نشینی، فشارهای روانی و اجتماعی زیادی را بر افراد این مناطق وارد می کند. برای نمونه گاهی پیرامون استفاده یا تقسیم منابع طبیعی به دلیل کمبود منابع معیشتی مانند آب و زمین های چرای دام، نزاع های خشونت آمیز رخ می دهد. مطابق با نظریه فشار، در مناطق عشایری نیز افرادی که به دنبال راه های سریع و فوری برای رفع مشکلات اقتصادی خود هستند، ممکن است در اثر فشار ناشی از ناکامی در نیل به اهداف خود از شیوه های خشن و مجرمانه مانند نزاع، زورگیری و سرقت مسلحانه برای رسیدن به اهداف اقتصادی استفاده نمایند.

۳- از جمله نظریه های تأثیرگذار حوزه جامعه شناسی انحرافات، نظریه کنترل اجتماعی^{۵۹} است که به تبیین و تحلیل کج رفتاری های اجتماعی پرداخته و علت اصلی کج رفتاری را فقدان کنترل اجتماعی می داند. مطابق این دیدگاه فرض اصلی این است که افراد به طور طبیعی به کج رفتاری تمایل دارند و در صورت فقدان کنترل، مرتکب انحراف و کج روی می شوند.^{۶۰} این نظریه از جانب تراویس هیرشی^{۶۱} جامعه شناس و جرم شناس آمریکایی در سال ۱۹۶۹ میلادی در کتاب معروف او «علل بزه کاری» مطرح گردید. هیرشی برخلاف سایر نظریه پردازان که بر مجرم و محیط نظر می افکنند، بر افراد غیر بزه کار و اینکه بر اساس کدام عوامل فرهنگی مرتکب جرم نمی شوند، تمرکز دارد. او انحراف و بزه کاری را معلول شکست یا ضعف پیوندهای فرهنگی - اجتماعی فرد با سایرین دانسته و چهار جزء اصلی پیوند فرد با جامعه را چنین شناسایی می کند: الف- وابستگی: وقتی فردی به هنجارهای اجتماعی، تمایلات، انتظارات، نظریات و عقاید دیگران اهمیت نداده و بی تفاوت باشد؛ پیوند او با جامعه ضعیف گشته و خود را در ارتکاب انحراف و بزه آزاد می بیند، زیرا مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است که همان بعد جامعه شناختی وجدان در روانشناسی است. ب- تعهد: افرادی که بر روی اهدافی مانند تحصیل، شغل، خانواده و دوستان سرمایه گذاری کرده اند و وقت و انرژی خود را در راه آنها صرف کرده اند، بیشتر به فعالیت های متداول زندگی تعهد دارند. از این رو به موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده اند متعهد بوده و کج رفتاری نمی کنند. پ- درگیر بودن یا مشغولیت: معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی، مشارکت اجتماعی و امثال این فعالیت ها هستند کمتر فرصت پیدا می کنند که هنجارشکنی کنند. ت- ایمان یا باور: هر چه قدر که میزان اعتقاد به ارزش های اخلاقی و هنجارهای فرهنگی ضعیف تر باشد، احتمال بروز کج رفتاری در فرد بیشتر می شود.

59 - Social Control Theory

۶۰- علی حسین نجفی ابرند آبادی و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷)، ۷۷.

61 - Travis Hirschi

مناطق طایفه ای و عشائری جوامعی با ساختار اجتماعی خاص هستند که در آن پیوندها و علقه های اجتماعی افراد با گروه طایفه یا عشیره نقشی محوری دارد. این علایق می توانند هم به عنوان عاملی بازدارنده در برابر جرم و هم بالعکس به عنوان عامل وقوع جرایم عمل نمایند. در بُعد بازدارندگی پیوندهای قوی اجتماعی در مناطق طایفه ای و عشائری باعث می شوند تا افراد به دلیل ترس از طرد شدن از گروه و آسیب به آبرو و حیثیت خود و خانواده خود، از انجام رفتارهای جرم خیز خودداری کنند. با این وجود در برخی موارد این پیوندها می توانند به عاملی جرم زا نیز تبدیل شوند. برای مثال در برخی جوامع طایفه ای ارزش قائل شدن برای قدرت و خشونت به عنوان راهی برای حل مشکلات و تعارضات در نظر گرفته می شود که این موضوع می تواند به وقوع جرایم خشن منجر شود. از سوی دیگر وجود سلسله مراتب قدرت غیررسمی در بین قبیله یا طایفه و ضعف نهادهای کنترل اجتماعی رسمی باعث می شود تا مجرمین گرفتار چنگال عدالت نشده یا به طور قاطع با آنان برخورد نشود. برای نمونه شخصی که به بزرگان و روسای یک طایفه تعهد دارد، ممکن است به دستور این افراد که در آن طایفه دارای قدرت غیر رسمی هستند در مواردی مانند انتقام جویی مرتکب جنایاتی علیه اشخاص دیگر شود. وجود حس انتقام جویی در برخی جوامع طایفه ای باعث می شود تا در صورت وقوع یک جرم، افراد به دنبال انتقام گیری شخصی باشند که این موضوع می تواند به یک چرخه معیوب از خشونت منجر شود. همچنین در این زمینه می توان به ضعف نهادهای رسمی در کنترل و نظارت اجتماعی و اجرای قوانین اشاره داشت. در مناطق عشائری نهادهای حکومتی و قضایی بعضاً به دلیل پراکندگی جغرافیایی عشایر و عدم دسترسی مناسب و صعب العبور بودن بسیاری از مناطق نمی توانند به طور مؤثر قوانین را اجرا و کنترل و نظارت لازم را بر افراد داشته باشند. این ضعف در نظارت و کنترل و عدم دسترسی آسان به مراجع قانونی موجب افزایش تمایل به استفاده از روش های خشونت آمیز برای حل اختلافات می شود.

۴- یکی از نظریات کلاسیک نوظهور در جرم شناسی نظریه فرصت جرم^{۶۲} است که ابتدا توسط رونالد کلارک^{۶۳} در سال ۱۹۹۵ میلادی ارائه شد. در بررسی مبانی نظریه فرصت اثرات سه دیدگاه معروف فعالیت روزمره،^{۶۴} دیدگاه الگوی بازار جرم و تئوری انتخاب معقول^{۶۵} به چشم می خورد. هر یک از سه دیدگاه اخیر ارتکاب جرم را از زاویه ای بررسی کرده و در نهایت همه آنها به این نقطه مشترک رسیده اند که فرصت های جرم اهمیت فراوانی در وقوع جرم یا پیشگیری از آن دارند. بنابراین تفکر حاکم بر نظریه فرصت آن است که به صرف وجود بزهکار و بزه دیده جرم واقع نمی شود، بلکه

62 - Crime opportunity theory

63 - Ronald clarke

64 - Routine activity theory

65 - Rational choice theory

باید فرصت و موقعیت های مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم باشد.^{۶۶} این نظریه تاکید دارد که کاهش فرصت های ارتکاب جرم می تواند به کاهش نرخ جرم منجر شود.

مناطق عشایری به دلیل ویژگی های خاص جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی خود گاه فرصت های مناسبی برای بروز جرایم خشن فراهم می کنند. از آنجایی که جمعیت مناطق عشایری معمولاً پراکنده هستند و دسترسی به آن ها دشوار است، همین امر سبب می شود که نظارت و کنترل نیروهای انتظامی و قضایی بر این مناطق کمتر باشد. عدم حضور نیروهای امنیتی و موانع بازدارنده در این مناطق ممکن است سبب ایجاد فرصت های مجرمانه برای مجرمین و ارتکاب جرایم خشن مانند راهزنی، سرقت های مسلحانه و مقرون به آزار علیه اموال و احشام عشایر شود. مزید بر علل مورد اشاره، محدودیت دسترسی به سیستم های اطلاعاتی و ارتباطی مؤثر در مناطق عشایری نیز یکی از دلایل افزایش فرصت های ارتکاب جرایم است. به عنوان مثال در مواقع بروز نزاع دسته جمعی یا حمله راهزنان، به علت کمبود وسایل ارتباطی یا عدم آنتن دهی امکان ارتباط سریع با نیروهای امنیتی و درخواست کمک وجود ندارد. این موضوع موجب می شود که از یک سو برای افراد بزهکار فرصت های جرم ایجاد شود و از طرفی بزه دیدگان نیز به علت عدم دسترسی به نهادهای امنیتی و انتظامی شخصاً مجبور به دفاع و مقابله با خطر می باشند که ممکن است از حدود قانونی دفاع خارج شده و سبب جرایم خشن دیگری شوند.

در نهایت ترکیب این نظریات و تحلیل های جرم شناسی نشان می دهد که جرایم خشن در مناطق عشایری ایران به دلایل متعددی رخ می دهند که بارزترین آنها شامل تعارض بین فرهنگی عمومی رسمی و خرده فرهنگ های محلی، فشارهای اقتصادی و اجتماعی، ضعف در کنترل اجتماعی و فرصت های بزهکاری می شود. به منظور پیشگیری از این جرایم، تدوین و بکارگیری سیاست ها و برنامه هایی جامع و متناسب با شرایط خاص جوامع مورد اشاره ضروری است که در مبحث بعدی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

ب) بومی سازی راهبردها و روش های پیشگیری

همانطور که در بند قبل ذکر شد مباحث مطالعاتی و نظریات جرم شناسی غالباً گستره فراملی و جهانی را مدنظر دارند؛ از این رو لازم است جرم شناس پس از کاوش و کشف نقش علل بومی در وقوع جرایم خشن، راهکارهای پیشگیری را نیز متناسب با جامعه بومی یا عشیره ای مورد مطالعه استخراج و ارائه نماید؛ در غیر اینصورت نسخه های کلی و جهان شمول برای کاهش کنترل بزه های خشن ممکن است در جوامع مورد اشاره فاقد تاثیر و کارایی لازم باشند. بدین منظور

۶۶- فرید محسنی، نظریه های جرم شناسی، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷)، ۳۹۶-۳۹۷.

برآنیم که شیوه های کنترل و یا مقابله با جرایم خشن در جوامع عشیره ای از منظر پیشگیری غیرکیفری، شناسایی و ارائه شود.

۱- پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی همانگونه که در بند اول این مقاله ذکر شد، شامل مجموعه تدابیری می شود که تمرکز اصلی آن بر تاثیرگذاری بر الگوهای رفتاری و ارزش های فرد و تغییر در شرایط و مقتضیات روابط اجتماعی از جمله وضعیت رفاه و بهبود کیفیت زندگی است تا از مجرم شدن افراد جلوگیری کند.^{۶۷}

در مناطق عشایری با تمرکز بر تقویت ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه و ایجاد فرصت های مثبت برای افراد می توان نقش مهمی در کاهش و پیشگیری از جرایم خشن ایفا کرد. جهت دستیابی به این منظور چند راهکار کلیدی می توان ارائه نمود:

۱-۱- یکی از مهم ترین ابزارها ایجاد ارتقاء سطح آموزشی و اطلاع رسانی حقوقی است که منجر به افزایش آگاهی و آشنایی با طرق مسالمت آمیز حل اختلافات می باشد. برای مثال دولت می بایست مبادرت به احداث نهادهای فرهنگی، آموزشی و مذهبی در این مناطق نماید یا در مکانهای محل تجمع عموم مانند مدارس و مساجد یا در جشن ها و مراسمات محلی، از طریق افراد برجسته مانند بزرگان محلی اقدام به آموزش و اطلاع رسانی در زمینه های ترویج فرهنگ صلح و همزیستی مسالمت آمیز، احترام به حقوق شهروندی، حل اختلافات مسالمت آمیز و مهارت های زندگی مخصوصاً برای نوجوانان و جوانان عشایری نماید.

۱-۲- تقویت نهادهای محلی برای حل اختلافات نیز نقش بسزایی در کاهش خشونت دارد. ایجاد شوراهای محلی متشکل از بزرگان و معتمدین عشایری که با حمایت حکومت به حل و فصل اختلافات و نزاع ها می پردازند، می تواند از تشدید منازعات جلوگیری کند.

۱-۳- توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی پایدار از طریق سرمایه گذاری در پروژه های کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی که با شرایط زندگی عشایری سازگارند، به افزایش اشتغال و بهبود وضعیت معیشتی این جوامع کمک می کند. همچنین ایجاد بازارهای محلی برای فروش محصولات عشایری می تواند به تقویت اقتصاد محلی کمک کند.

۱-۴- راهکار بعدی تقویت زیرساخت های ارتباطی و رسانه ای با افزایش دسترسی به اطلاعات و ارتقای سطح آگاهی از طریق رسانه های جمعی می باشد. ایجاد ایستگاه های رادیویی محلی که برنامه های آموزشی و فرهنگی مرتبط با

۶۷ - مهرداد رایجیان اصلی و ولی الله صادقی، «پیشگیری مبتنی بر توسعه فرهنگی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۸، ۲۸، (۱۳۹۲): ۱۴۵.

پیشگیری از خشونت و حل اختلافات مسالمت‌آمیز را پخش کند و استفاده از فناوری‌های مدرن مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای ترویج آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌های ضروری به جامعه عشایری از جمله این اقدامات است.

۵-۱- مشارکت فعال جامعه عشایری در طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیری نیز می‌تواند به افزایش تأثیرگذاری این برنامه‌ها کمک کند و حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری افراد را نسبت به برنامه‌های پیشگیری افزایش دهد.

۶-۱- بازنگری و تطبیق سیاست‌های جنایی متناسب با شرایط خاص ساختاری و فرهنگی عشایر؛ از مجرای ۱- طراحی و اجرای قوانین و سیاست‌های جنایی که نیازها و شرایط فرهنگی و اجتماعی عشایر را در نظر بگیرند. ۲- ایجاد و تقویت نهادهای محلی برای حل اختلافات و کاهش تنش‌ها بر مبنای عدالت ترمیمی و بدون توسل به خشونت. ۳- آموزش مقامات قضایی و نیروهای انتظامی درباره فرهنگ و نیازهای خاص جوامع عشایری برای افزایش درک و تعامل مؤثرتر. ۴- افزایش آگاهی و اعتماد به نظام قضایی رسمی به صورت اطلاع‌رسانی حقوقی، شفافیت و پاسخگویی توسط نظام قضایی و توجه ویژه به اصل سرعت و قاطعیت در رسیدگی‌ها.

بدین ترتیب پیشگیری اجتماعی از جرایم خشن در مناطق عشایری نیازمند یک رویکرد جامع و چندجانبه است که به تقویت آموزش، ترویج فرهنگ صلح، توسعه اقتصادی و تقویت نهادهای محلی برای حل اختلافات توجه دارد و می‌تواند به ایجاد محیطی امن‌تر و پایدارتر در جوامع عشایری منجر شود.

۲- پیشگیری وضعی

در بخش گونه شناسی پیشگیری اشاره شد که، پیشگیری وضعی از جرم، به معنای اتخاذ تدابیری است که سبب کاهش فرصت‌های وقوع جرم و ارتقای دشواری و خطر برای مرتکب در مسیر ارتکاب جرم شود. در جوامع عشایری، به دلیل ساختار اجتماعی و فرهنگی متفاوت این جوامع، پیشگیری از جرم با چالش‌هایی مواجه است که مهمترین آنها در بند قبل ذکر گردیدند. در مقابل، پیشگیری وضعی می‌تواند با توجه به شرایط خاص محیطی و اجتماعی این مناطق، به شکل‌های مختلفی اجرا شود. در ذیل شیوه‌های پیشگیری وضعی که می‌تواند تا حد زیادی موجب کاهش جرایم خشن در جوامع مذکور شود، ارائه می‌شود:

۱-۲- محدودسازی دسترسی به آلات مختصه جرایم خشن. با توجه به علاقه جامعه عشایر به نگهداری از سلاح گرم و فراوانی و سهولت دسترسی به آن در بین آنان، بسیاری از افراد در وضعیت پیش جنایی قرار داشته که به صرف کمترین اختلاف ممکن است توسط آنان شاهد جرایم خشن از طریق اسلحه باشیم. بنابراین محدود کردن دسترسی به ابزارهای خشونت‌آمیز مانند اسلحه می‌تواند تا حد زیادی از فرصت‌های خشونت‌های مجرمانه بکاهد. این اقدام

می‌تواند از طریق طرح‌های جمع‌آوری سلاح غیرمجاز توسط نیروی انتظامی و یا ایجاد قوانین غیررسمی محلی برای کنترل و نظارت بر حمل و نگهداری این ابزارها انجام شود.

۲-۲- نصب موانع فیزیکی در مکان‌های مستعد جرم. امکان‌های مانند محل‌های نگهداری دام، مستعد وقوع جرایمی مانند سرقت مسلحانه می‌باشند. با ایجاد حصار یا موانع فیزیکی مستحکم در اطراف محل نگهداری دام یا نصب دروازه‌های قفل‌شونده در ورودی آن، می‌توان فرصت‌های سرقت دام را کاهش داد.

۲-۳- نظارت و کنترل مناطق حساس یا مستعد جرم. برخی نقاط مانند مسیرهای انتقال کالا، بازارهای محلی، چشمه‌ها و آبشخور دام‌ها و محل‌های تجمع، ممکن است مستعد جرایمی مانند راهزنی و نزاع و درگیری باشد. با اقداماتی از قبیل نظارت فیزیکی و گشت‌های مستمر و مستقیم افراد معتمد محلی یا نهادهای رسمی انتظامی، استقرار نگهبانی در نزدیکی چشمه‌های آب یا مسیرهای عبور کاروان‌ها و نصب دوربین‌های نظارتی در مناطق پرخطر می‌توان از وقوع چنین جرایمی جلوگیری کرد. از طرفی احداث مراکز اجتماعی و فرهنگی که به عنوان پاتوق‌های امن برای جوانان عشایری عمل کنند، می‌تواند هم به افزایش نظارت اجتماعی کمک کند و هم فرصت‌های ارتکاب جرایم را محدود کند.

۲-۴- بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی. بسیاری از مناطق عشیره‌ای به علت فاصله از دکل‌های مخابراتی، فاقد آنتن‌دهی مناسب برای ارتباط تلفنی می‌باشند. همین امر موجب افزایش جذابیت ارتکاب جرایمی مانند راهزنی برای سارقین خواهد شد. از این رو تقویت شبکه‌های ارتباطی برای گزارش‌دهی سریع جرایم می‌تواند در کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم موثر باشد.

۲-۵- علامت‌گذاری و ایجاد شناسه طبیعی برای اموال و دارایی‌ها. در مناطق عشایری که اغلب دارای منابع طبیعی مانند مراتع یا چشمه‌های آب هستند، جرایمی مانند تجاوز به اراضی دیگری یا استفاده غیرمجاز از منابع، می‌تواند منجر به منازعات خشونت‌آمیز شود. بدین جهت استفاده از موانع طبیعی مانند غرس درختان خاردار در مرزها و حدود، یا موانع مصنوعی مانند ایجاد دیوارهای سنگی یا فلزی می‌تواند دسترسی به این منابع را محدود کرده و از تجاوزهای ناخواسته جلوگیری کند. هم‌چنین شناسه‌انگاری برای دارایی‌ها مخصوصاً دام‌ها و ابزارآلات، مثال نصب پلاک در گوش دام یا رنگ کردن قسمتی از بدن دام یا ابزار دامداری و زراعت، می‌تواند به کاهش انگیزه برای سرقت آنها کمک کند.

۲-۶- استفاده از روشنایی مناسب در شب. در بسیاری از مناطق عشایری، به دلیل کمبود امکانات زیرساختی، روشنایی در شب محدود است که این امر می‌تواند زمینه‌ساز وقوع جرایم در زمان تاریکی باشد. نصب پنل‌های خورشیدی در مکان‌هایی مانند محل‌های نگهداری دام، مناطق مسکونی موقت و مسیرهای عبور و مرور، و استفاده از انرژی آن برای

روشنایی در شب، می‌تواند احتمال وقوع جرم را کاهش دهد؛ چرا که روشنایی بیشتر باعث می‌شود که مجرمان احساس دیده شدن کرده و ریسک ارتکاب جرم برای آنها افزایش یابد.

این راهکارهای پیشگیری وضعی بیانگر آن است که، می‌توان از طریق تغییرات عملی و مدیریت هوشمندانه محیط و شرایط، به طور موثر از وقوع جرایم خشن در مناطق عشایری جلوگیری کرد. این راهبردها بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و افزایش مخاطرات برای مجرمان متمرکز هستند و می‌توانند به حفظ امنیت و صلح در این جوامع کمک نمایند.

نتیجه گیری

قانونگذار ایران در قوانین کیفری، قائل به تعریف و طبقه بندی خاصی در قبال جرایم خشن نمی باشد؛ بلکه صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفاء نموده است و از این رو تعریف و طبقه بندی آن را به عرف و دکترین حقوق واگذار نموده است که پیش تر در این مقاله به آن اشاره داشتیم. آمارهای رسمی و پژوهش های صورت گرفته بیانگر آن است که طی سالیان اخیر، نرخ جرایم خشن در استان های عشایری ایران روند افزایشی داشته است. در این فرض مقوله پیشگیری از جرایم مذکور در این مناطق، چالش های اساسی فراروی خود دارد. این چالش ها به تنهایی یا در کنار سایر علل در مسیر پیشگیری از جرم خلل های اساسی وارد می کند و سبب می شود که در میان عشایر، بسیاری از اختلافات و منازعات به جای حل و فصل از طریق مراجع قانونی، به روش های سنتی و بعضاً خشونت آمیز منتهی شود. تعدادی از این چالش ها ناشی از فرهنگ و ساختار جوامع عشایری می باشد که مهمترین آنها عبارتند از: تعصبات بومی و قبیله ای، ارزش های قدیمی و ناکارآمد، ضعف در اطلاع و اشراف عمومی نسبت به حقوق و تکالیف اساسی و بیگانگی و فقدان اعتماد نسبت به سیستم عدالت قضایی می باشد. از سوی دیگر به این دلیل که رهیافت های جرم شناسی، در تطبیق با فرهنگ بومی ایران به مرحله تکامل نرسیده است؛ از این رو هدف رفع چالش های پیشگیری در مناطق بومی و عشایری ایران با اتکاء بر رهیافت های کلی جرم شناسی، به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. بنابراین لازم است ابتدائاً علل جرایم خشن در بستر فرهنگ عشایری واکاوی و سپس شیوه ها و راهبردهای پیشگیری از آن متناسب با فرهنگ عشایری تجویز و تدابیر پیشگیرانه را در قالب متدهای پیشگیری غیرکیفری از قبیل پیشگیری اجتماعی و وضعی اجرایی نمود.

منابع

الف) منابع فارسی

ارجمندی، غلام رضا و ابوالقاسم نوروزی. «حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه: رسم خون بری یا خون بس». نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران ۱، ۱ (۱۳۸۹): ۴۴-۱.

اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

امان‌اللهی، اسکندر. کوچ‌نشینی در ایران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۹۸.

باقری، معصومه، مرضیه شهریاری، سجاد بهمنی و علی بوداکی. «واکاوی تعیین گره‌های اجتماعی و فرهنگی نگهداری و استفاده از سلاح گرم در استان خوزستان». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ۱۲، ۴۳ (۱۴۰۲): ۴۶-۲۳.

Doi: 10.22108/SRSPI.2024.137410.1902

پرادل، ژان. تاریخ اندیشه‌های کیفری؛ ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

تقی‌پور، علیرضا. «پیشگیری غیرکیفری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۸، ۲۴ (۱۳۹۸): ۱۸-۱.

Doi: 10.22034/QJPLK.2019.170

خسروی، عبدالعلی. فرهنگ بختیاری. اصفهان: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۲.

داوودی حموله، سریا. دانشنامه قوم بختیاری. اهواز: نشر معتبر، ۱۳۹۳.

دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، جلد یازدهم، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

رابجیان اصلی، مهرداد و ولی‌الله صادقی. «پیشگیری مبتنی بر توسعه فرهنگی». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۸، ۲۸ (۱۳۹۲): ۱۶۸-۱۴۵.

رضوانی، علی اصغر. اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات، چاپ سوم، قم: نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.

سرلک، رضا. آداب و رسوم و فرهنگ عامه ایل بختیاری چهارلنگ. تهران: نشر طهوری، ۱۳۸۵.

صلاحی، جاوید. کلیات جرم‌شناسی و تئوری‌های جدید. ویرایش اول. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳.

صبح‌دل، محمد. «جایگاه حقوقی قوه قضاییه در پیشگیری اجتماعی»، فصلنامه قانون یار، ۴، ۴ (۱۳۹۶): ۱۰۸-۹۳.

صفی‌نژاد، جواد. «ساختار اجتماعی عشایر ایران»، فصلنامه علمی مطالعات ملی، ۵، ۱۷ (۱۳۸۳): ۸۴-۴۳.

طارم‌سری، مسعود، بهرام مستقیمی و نسرین مصفا. «مفهوم تجاوز در حقوق بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی ۷، ۸ (۱۳۶۶): ۸۹-۵.

طریحی، فخرالدین. مجمع البحرين، ترجمه و تحقیق احمد حسینی اشکوری. جلد سوم، ویرایش سوم. تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵.

عشایری، طاهار، اسماعیل جهانی دولت‌آباد و الهام عباسی. «بررسی جامعه‌شناختی تاریخی سازوکارهای مدیریت نزاع‌های ایلی - طایفه‌ای

در جوامع روستایی ایران»، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق) ۱۲، ۳ (۱۳۹۷): ۲۱۰-۱۷۳.

غلامی، حسین و حسین مرادقلی. «خون صلح؛ حل و فصل سنتی قتل»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۵، ۱ (۱۳۹۴): ۱۸۲-۱۵۷.

کاظمی سرکانه، سید سجاد. «آن سوی دیوار سوءظن، نگاهی به تأثیر آداب و رسوم بر وقوع قتل‌های شرافتی». فصلنامه مطالعات

پیشگیری از جرم ۵، ۱۶ (۱۳۸۹): ۱۴۰-۱۱۵.

کی‌نیا، مهدی. مبانی جرم‌شناسی. جلد اول، ویرایش نهم. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

مجدی علی اکبر و همکاران، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، مشهد: نشر خانه علوم تربیتی، ۱۳۹۹.

محسنی، فرید. جرم‌شناسی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.

محسنی، فرید. نظریه‌های جرم‌شناسی. ویرایش اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۷.

موسوی بجنوردی، سید محمدکاظم. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم، چاپ اول، تهران: نشر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی،

۱۳۸۰.

محیط، هرمز. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح السلطان، تهران: نشر نگارینه، ۱۳۹۲.

معین، محمد. فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین. «پیشگیری عادلانه از جرم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳): ۵۹۸-۵۵۹.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی حمید. دانشنامه جرم شناسی. ویرایش پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷.

نیازپور، امیرحسین. «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۴۸، (۱۳۸۳): ۲۲۶-۱۶۹.

هاشمی، سیدحسین. «ماهیت و ابعاد خشونت در چشم انداز قرآن». مجله پژوهش های قرآنی ۱۰، ۳۷، (۱۳۸۳): ۲۱۱-۱۸۴.

هانری فاورو، شارل. انسان‌شناسی: خاستگاه و مفاهیم آثار و دانشمندان، ترجمه علیرضا خدای، چاپ اول، تهران: نشر فصل نو، ۱۳۸۶.

یوسفوند، حسن رضا، یعقوب احمدی، علیرضا محسنی تبریزی و اصغر ابوالحسنی. «تبیین رابطه جرایم خشونت آمیز (قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران». فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق) ۳، ۹ (۱۳۹۴): ۱۶۰-۱۱۵.

Doi: 10.22055/qjds.2015.11924

یوسفی، علی و احمدرضا اصغریور ماسوله. «قوم مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران». دانشنامه علوم اجتماعی تربیت مدرس ۱، ۱ (۱۳۸۸): ۱۴۴-۱۲۵.

ب) منابع خارجی

- ابن درید، محمد بن حسن. جمهره اللغة. جلد دوم، ویرایش اول. بیروت: نشر دار العلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد چهارم، ویرایش سوم. بیروت: نشر دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
- أبو القاسم الحسین بن محمد (الراغب الأصفهانی)، المفردات فی غریب القرآن. المحقق: صفوان عدنان الداودی، جلد اول، ویرایش اول. بیروت: ناشر: دار القلم، ۱۴۱۲ هـ.
- Annamoradnejad Rahimberdi and Lotfi Sedigheh. "Demographic changes of nomadic communities in Iran". (1956-2008). Asian Population Studies, 6, 3 (2010): P 335-345. Doi:10.1080/17441730.2010.512764.
- Arbi-Aster, Anthony, "Violence", in: William Outhivaite, Tom Battamore (Edis), The Blackwell Dictionary of Twentieth Century Social Thought, U.S.A, Blackwell, 1993, p. 700.
- askoxford.com, Oxford English Dictionary Retrieved January 8, 2009.
- Clarke, R. V. Situational Crime Prevention, In Michael Tonry and David P. Farrington [eds], Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention, Crime and Justice, Vol. 19, Chicago, IL: University of Chicago Press, 1995.
- Hoffmann, John, Timothy O. Ireland and Cothy Spatz Widom, "Traditional Socialization Theories of Violence: A Critical Examination", in: John Archer (Edi), Male Violence, London, Routledge, 1994, p. 239.
- Merton Robert k. "social and anomie: American sociological review", 3, 5 (1938): pp.672-682.
- Palomero-Gallagher Nicola and Katrin Amunts, "A short review on emotion processing: a lateralized network of neuronal networks". Brain Structure and Function, 227 (2022): 673-684. Doi:10.1007/ss00429-021-02331-7.

ج) مطالب بر خط (آنلاین)

- Google، سایت مرکز آمار ایران. آدرس خبر: <https://www.amar.org.ir>
- Google «آیین سنتی چوب بازی دو کشته و زخمی برجای گذاشت»، ۱۱ مرداد ۱۳۹۸، <https://www.yjc.ir/fa/news/7023261/>
- Google «مرکز آمار ایران»، ۱۴۰۳/۰۳/۱۸، <https://amar.org.ir/salnameh-amari>
- Google «تیراندازی در شادگان عروسی را به عزا تبدیل کرد»، ۱۳۹۶/۰۱/۰۸، <https://www.tabnak.ir/fa/news/680120/>

The Prevention of violent crimes in tribal societies; Challenges and solutions

Abstract

The unique cultural characteristics and the complex structure of nomadic societies in Iran have led to the creation of conditions that have faced fundamental challenges in the implementation of preventive policies related to violent crimes. Some traditional and cultural values that promote violence, local power structures conflicting with the legal system of dispute resolution, and the lack of familiarity of local people with legal rights and obligations can be listed as examples of these challenges. The mentioned features cause that the prevention measures and policies in local communities do not lead to good performance and results. This article with a descriptive and analytical method seeks to clarify the issue of how the aforementioned challenges have caused conflict between the traditional nomadic values and the official legal laws of the country and how it causes people instead of resolving disputes through legal authorities and Judiciary, turn to local problem solving methods that are often violent.

Finally, it is tried to first analyze and explain the challenges of prevention in the context of nomadic society, and then by analyzing the types of the non-criminal prevention, practical and applicable solutions are prescribed and proposed to solve the mentioned challenges.

Keywords: violent crimes, preventive criminology, nomadic areas, tribal culture, traditional methods of dispute resolution.